

الله أكبر

گزارش رصدی-تحلیلی | شماره ۱۰۴ | مهر ۹۹

آموزه‌هایی برای توسعه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۳)

«معرفی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID)»



سیاست پژوهی حضور
اثرگذار بین‌المللی

فهرست مطالب

۷	خلاصه مدیریتی
۱۱	مقدمه
	۱- آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID)، سابقه و سیر تحول
۱۳	رویکرد اقتصادی
۱۵	۱-۱. طرح مارشال و اداره کل همکاری های اقتصادی (ECA)
۱۷	۲-۱. برنامه اصل ۴ ترومن و اداره کل همکاری های فنی (TCA)
۱۹	۳-۱. طرح امنیت متقابل و آژانس مربوط به آن (MSA)
۲۱	۴-۱. اداره عملیات خارجی (FOA)
۲۲	۵-۱. اداره همکاری های بین المللی (ICA) و صندوق وام توسعه ای (DLF)
۲۳	۶-۱. آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID)
۳۱	۷-۱. جمع بندی
	۲- منافع اقتصادی آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده آمریکا برای
۳۳	این کشور
۳۶	۱-۲. توسعه تجارت، رشد اقتصادی و اشتغال آمریکا
	۲-۲. رشد اقتصادی، حفظ بازار فروش و افزایش اشتغال حاصل از
۳۹	برنامه های USAID
	۳-۲. پشتیبانی برنامه های آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده از
۵۱	زنجیره ارزش و اشتغال در آمریکا

- ۵۵ . ۴-۲ . جمع‌بندی
- ۵۷ ۳- آموزه‌های فعالیت‌آزانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده
- ۵۸ ۱-۳ . ارتقای امنیت ملی آمریکا
- ۲-۳ . وجود یک طرح راهبردی کلان و نهاد ویژه متولی برای توسعه نفوذ
- ۵۸ اقتصادی در دنیا
- ۵۹ ۳-۳ . تصویب قانون و نظارت بر اجرای طرح راهبردی توسط کنگره
- ۵۹ ۴-۳ . نقش فعال در توسعه صادرات
- ۶۰ ۵-۳ . توسعه اقتصادی
- ۶۰ ۶-۳ . تأمین مواد اولیه
- ۶۱ ۷-۳ . حوزه‌های فعالیت‌آزانس در کشورها
- ۶۱ ۸-۳ . ایجاد توان مبادله با اقتصاد آمریکا
- ۶۱ ۹-۳ . نفوذ فرهنگی
- ۶۲ ۱۰-۳ . استفاده از توان داخلی کشورها
- ۶۲ ۱۱-۳ . مدیریت هوشمند کمک‌های مالی
- ۶۴ ۱۲-۳ . سازوکار بازچرخش کمک‌های مالی
- ۶۴ ۱۳-۳ . بهره‌گیری و حمایت از بخش خصوصی
- ۶۴ ۱۴-۳ . کمک‌های مستشاری

خلاصه مدیریتی

پس از اتمام جنگ جهانی دوم، ایالات متحده با هدف ارتقای رفاه و امنیت ملی خود، راهبرد جدیدی را در پیش گرفت که با شکل دهی ساختارهای حکمرانی و داخلی کشورها به توسعه نفوذ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود در سطح جهان بپردازد. بعدها این راهبرد با نام «ملت سازی» در ادبیات علمی وارد شد. ایالات متحده قدیمی ترین و باتجربه ترین کشور در استفاده از این راهبرد برای نفوذ در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای مسلمان است.

شروع استفاده از این راهبرد توسط ایالات متحده به طرح بازسازی اروپا (مارشال) و تشکیل اداره همکاری های اقتصادی (ECA) برای اجرای آن بازمی گردد. هم زمان با اجرای طرح مارشال در اروپا، برنامه اصل ۴ ترومن به عنوان برنامه کمک فنی برای ایجاد ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی توسط اداره کل همکاری های فنی (TCA) در کشورهای در حال توسعه دنبال می شد. پس از آن در سال ۱۹۵۱ با تصویب قانون امنیت متقابل دو نهاد مذکور در آژانس امنیت متقابل (MSA) ادغام شدند و مدیریت کمک های نظامی و غیرنظامی ایالات متحده به کشورهای دیگر ذیل آن متمرکز شد. در سال های بعد، نهاد متولی این کمک های خارجی با تغییراتی مواجه و در نهایت در سال ۱۹۶۱ آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID) بر اساس قانون «کمک های خارجی» تشکیل شد. در حال حاضر، آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده مهم ترین نهاد توسعه ای برون مرزی آمریکا است که در بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر جهان منافع سیاست خارجی آمریکا از جمله هژمونی، لیبرال دموکراسی و بازارهای آزاد را گسترش می دهد.

اقدامات آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده در عرصه اقتصادی به دو اقدام کلی «جذاب کردن آن کشور برای سرمایه گذاران آمریکایی» و «ادغام کشورها در زنجیره عرضه جهانی شرکت های بزرگ آمریکایی» تقسیم می شود. بر اساس آمارهای تجارت جهانی در ۱۰ سال گذشته، تقریباً دوسوم رشد صادرات کالاهای آمریکایی به شرکای آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده بوده است. این رشد صادرات



به دلیل رشد رفاه حاصل از برنامه‌های آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده در کشورهای هدف محقق شده است و یک عامل حیاتی در خروج آمریکا از رکودهای اخیر محسوب می‌شود. همچنین با افزایش تقاضای ایجادشده در کشورهای درحال توسعه، بیکاری در آمریکا نیز کاهش یافته است. به‌عنوان نمونه تنها صادرات آمریکا به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین ۱۱٫۵ میلیون شغل در این کشور ایجاد کرده است. به‌طور خلاصه بسیاری از مشاغل در ایالات متحده از طریق عملکرد صادراتی شرکت‌های آمریکایی در بازارهایی است که این آژانس در کشورهای درحال توسعه ایجاد کرده است.

بررسی تجربه ایالات متحده در توسعه نفوذ بین‌المللی آمریکا نشان می‌دهد:

۱. هدف اصلی فعالیت‌ها، ارتقای امنیت ملی ایالات متحده عنوان شده است.
۲. یک طرح راهبردی کلان و نهاد ویژه متولی برای توسعه نفوذ اقتصادی در دنیا در نظر گرفته شده است.
۳. کنگره آمریکا این فرآیند را با تصویب قانون و نظارت بر اجرای آن پیگیری می‌کند.
۴. لازمه گسترش صادرات ایالات متحده، ایفای نقش فعال در توسعه بازارهای کشورهای درحال توسعه بیان شده است.
۵. کمک‌های خارجی ایالات متحده با توسعه صادرات و حمایت از تولید داخلی، رشد اقتصادی این کشور را به دنبال داشته است.
۶. فعالیت‌های آژانس، عرضه پایدار مواد اولیه را برای صنایع آمریکا تضمین کرده است.

۷. حوزه‌های فعالیت آژانس در کشورهای هدف عبارت بوده است از:

(الف) ثبات اقتصاد کلان

(ب) تقویت بازارهای مالی

(ج) افزایش دسترسی به انرژی

(د) تقویت کشاورزی

ه) بهبود محیط کسب و کار برای مشاغل خصوصی

و) ارتقای آموزشی

ز) بهبود خدمات بهداشتی

ح) مقابله و کمک در بحران‌ها

۸. تقویت توان تجارت با اقتصاد آمریکا در کشورهای هدف دنبال شده است.

۹. توسعه نفوذ اقتصادی در کشورهای هدف نیازمند نفوذ فرهنگی بوده و به آن توجه شده است.

۱۰. از توان داخلی کشورهای هدف برای فعال کردن ظرفیت‌های داخلی در آن‌ها استفاده شده است.

۱۱. کمک‌های مالی ایالات متحده به کشورهای هدف به صورت هوشمند، مدیریت شده است.

۱۲. سازوکار بازچرخش کمک‌های مالی در کشورهای هدف پیگیری شده است.

۱۳. بهره‌گیری و حمایت از توان بخش خصوصی در برنامه‌های آژانس توسعه بین المللی پیگیری شده و آن‌ها مورد حمایت بوده‌اند.

۱۴. در کنار کمک‌های مالی در برخی کشورها، سایر کمک‌های مستشاری به صورت نهادی و تحت سلطه ایالات متحده درآمده‌اند.



مقدمه

ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم از فرصت به وجود آمده در بازسازی کشورها برای توسعه نفوذ بین‌المللی خود استفاده کرد. این کشور در فرآیند بازسازی به توسعه نفوذ و سلطه‌ی خود در کشورها اقدام نمود و در کنار استفاده از قدرت نظامی با ابزارهایی از قبیل اصلاحات سیاسی و توسعه اقتصادی به توسعه نفوذ در کشورهای هدف پرداخت. از این راهبرد ایالات متحده در سال‌های بعد با عنوان «ملت‌سازی» در سطح دنیا یاد شده است. به عبارت دقیق‌تر ملت‌سازی راهبرد اصلی ایالات متحده و کشورهای غربی در تغییر حاکمیت کشورها برای گسترش دموکراسی و ایجاد امنیت پایدار در آن‌ها است. این کشور در اجرای این راهبرد از تجربه بالایی برخوردار است به نحوی که در دهه‌های اخیر، ملت‌سازی در کشورهای بیش‌تری دنبال می‌شود و تعداد این کشورها افزایش چشم‌گیری یافته است. اثرات فرآیندهای ملت‌سازی ایالات متحده را می‌توان در کویت، سومالی، هائیتی، بوسنی، کوزوو، افغانستان و عراق دید. آمریکا در فرآیند اجرای ملت‌سازی از همکاری سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و... بهره می‌گیرد و نوک پیکان برنامه‌ریزی و اجرای این فرآیند آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) است.

تجربه ۷۰ ساله ایالات متحده در ملت‌سازی ایجاب می‌کند که دیگر کشورهایی که قصد توسعه حضور بین‌المللی خود را دارند از این تجارب بهره گیرند. با توجه به

گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر و تبدیل آن به یک قدرت منطقه‌ای لازم است راهبردی جامع و هماهنگ را در کشورهای منطقه دنبال کند. در این راستا توجه به ساختارها و تجارب آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده از دو نظر برای جمهوری اسلامی ایران مهم است.

الف) در بررسی ساختارها و تجارب این سازمان، درس‌های مهمی برای فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

ب) به موازات فعالیت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه این نهاد آمریکایی در اکثر این کشورها فعال است. فعالیت‌های این نهاد موجب کاهش نفوذ منطقه‌ای و به خطر افتادن منافع جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

در این گزارش در فصل اول به بررسی سوابق نهادی ایالات متحده در ملت‌سازی و تاریخچه شکل‌گیری و تحولات آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده می‌پردازیم. در فصل دوم روش‌های نفوذ اقتصادی ایالات متحده در کشورهای هدف و اثرات مثبت آن بر اقتصاد آمریکا را بیان می‌کنیم. در فصل سوم آموزه‌های کلیدی فعالیت‌های این نهاد آمریکایی را مرور می‌نماییم.



**۱- آژانس توسعه بین‌المللی
ایالات متحده (USAID)، سابقه و
سیر تحول رویکرد اقتصادی**

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به واسطه طرح مارشال و اصل ۴ ترومن، نفوذ اقتصادی خود را در جهان گسترش داد. این طرح‌ها از طریق ایجاد یک زیرساخت قانونی، تخصیص بودجه کلان و تأسیس یک نهاد متمرکز، اجرایی شد. نهادهای مختلفی مانند اداره همکاری‌های اقتصادی (ECA^۱)، اداره همکاری‌های فنی (TCA^۲)، آژانس امنیت متقابل (MSA^۳)، اداره عملیات خارجی (FOA^۴) و اداره همکاری‌های بین‌المللی (ICA^۵)، در این سال‌ها برای پیشبرد نفوذ آمریکا در جهان ایجاد شد. پس از گسترش برنامه‌های توسعه‌ای آمریکا در کشورهای مختلف جهان، در نهایت در سال ۱۹۶۱، همه برنامه‌های توسعه‌ای خارجی آمریکا ذیل نهادی تحت عنوان «آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID^۶)» تجمیع شد که در طول دهه‌های اخیر، گسترش مأموریت این نهاد از اقتصادی به سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، منجر به قدرتمند و مؤثرتر شدن این نهاد شده است.

آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) مهم‌ترین نهاد توسعه‌ای برون‌مرزی آمریکا است که در بیش از ۱۰۰ کشور فعالیت دارد. این نهاد در موضوعات اقتصادی، آموزش، بهداشت، محیط‌زیست، دموکراسی، حقوق بشر، حکمرانی، زنان و... فعالیت می‌کند. در حقیقت USAID بازوی قدرتمند آمریکا برای گسترش نفوذ و سلطه در کشورهای جهان است.



آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) مهم‌ترین نهاد توسعه‌ای برون‌مرزی آمریکا است که در بیش از ۱۰۰ کشور فعالیت دارد. این نهاد در موضوعات اقتصادی، آموزش، بهداشت، محیط‌زیست، دموکراسی، حقوق بشر، حکمرانی، زنان و... فعالیت می‌کند. در حقیقت USAID بازوی قدرتمند آمریکا برای گسترش نفوذ و سلطه در کشورهای جهان است.

1. Economic Cooperation Administration
2. Technical Cooperation Administration
3. Mutual Security Agency
4. Foreign Operations Administration
5. International Cooperation Administration
6. United States Agency for International Development



اقتصادی، آموزش، بهداشت، محیط زیست، دموکراسی، حقوق بشر، حکمرانی، زنان و... فعالیت می‌کند. در حقیقت USAID بازوی قدرتمند آمریکا برای گسترش نفوذ و سلطه در کشورهای جهان است. در این گزارش تلاش می‌شود تاریخچه تشکیل USAID و نهادهای مالی ذیل آن بررسی گردد.

۱-۱. طرح مارشال و اداره کل همکاری‌های اقتصادی (ECA)

آمریکا در جنگ جهانی دوم از کانون‌های اصلی درگیری دور بود و خسارات کمی به این کشور وارد شد. به همین دلیل توانسته بود به تأمین‌کننده نیازمندی‌های نظامی و غیرنظامی کشورهای درگیر در جنگ تبدیل شود. پس از جنگ، این ایده مطرح شد که همچنان این کمک‌ها به صورت بلاعوض و وام به کشورهای دیگر ادامه پیدا کند. در نتیجه‌ی این دیدگاه، در آوریل ۱۹۴۸، «قانون کمک‌های خارجی»^۱ در کنگره آمریکا به تصویب رسید. ذیل این قانون، اداره همکاری‌های اقتصادی (ECA) تشکیل، و اجرای طرح مارشال آغاز شد.^۲

طرح مارشال، طرحی برای بازسازی اروپای غربی پس از ویرانی‌های جنگ جهانی دوم بود که توسط وزیر خارجه وقت آمریکا (جرج مارشال) مطرح و پیگیری شد. مارشال بزرگ‌ترین طرح سیاست خارجی آمریکا تاکنون بوده است. اداره همکاری‌های اقتصادی (ECA) برای اجرای طرح مارشال زیر نظر رئیس‌جمهور ایجاد شد. تعیین مدیر اداره‌ی کل توسط رئیس‌جمهور پس از مشورت و موافقت سنا انجام می‌گرفته و جایگاه این اداره کل در دولت هم‌تراز یک وزارتخانه‌ی اجرایی بوده است. مدیرکل این اداره و وزیر امور خارجه باید یکدیگر را به‌طور مستمر از اوضاع مطلع می‌کردند و در اموری که به محدوده‌ی وظایف هر یک از آن‌ها مربوط بوده هماهنگی انجام می‌دادند. هر زمان وزیر امور خارجه به این نتیجه می‌رسید که

1. Foreign Assistance Act

2. <https://www.marshallfoundation.org/marshall/the-marshall-plan/foreign-assistance-act-1948/>

هر اقدام یا پیشنهاد یا عدم اقدامی توسط مدیر با اهداف سیاست خارجی آمریکا مغایر است، باید با مدیر رایزنی می نمود و چنانچه تضاد آراء برطرف نمی شد، موضوع باید به رئیس جمهور برای تصمیم نهایی ارجاع می شد و بالعکس. یک سفیر سیار به عنوان نماینده اداره کل و نماینده ارشد دولت آمریکا در کشورهای اروپایی تعیین شده بود. آمریکا در قالب طرح مارشال، حدود ۱۳ میلیارد دلار به صورت بلاعوض و ۲ میلیارد دلار به صورت وام طی ۴ سال به کشورهای اروپایی کمک کرد که ارزش کنونی این کمک ها در سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۴ میلیارد دلار برآورد می شود. آمریکا به واسطه طرح مارشال، توانست با نفوذ کمونیسم در اروپا مقابله کند، ایجاد اروپای متحد را تسریع کند، برای محصولات صنعتی آمریکا بازار مصرفی گسترده ای ایجاد کند، زمینه سازی لازم برای حاکم شدن دلار به عنوان ارزی جهان روا را انجام دهد و از همه مهم تر، نفوذ بسیار زیادی در این کشورها به دست آورد.



آمریکا به واسطه طرح مارشال، توانست با نفوذ کمونیسم در اروپا مقابله کند، ایجاد اروپای متحد را تسریع کند، برای محصولات صنعتی آمریکا بازار مصرفی گسترده ای ایجاد کند، زمینه سازی لازم برای حاکم شدن دلار به عنوان ارزی جهان روا را انجام دهد و از همه مهم تر، نفوذ بسیار زیادی در این کشورها به دست آورد

در تدوین و اجرای طرح مارشال آموزه های مفیدی برای سایر کشورها وجود دارد مانند:

۱. ایجاد یک نهاد قوی، در رده یک وزارتخانه برای تحقق و پیگیری طرح در دولت و تعیین مدیر آن توسط رئیس جمهور
۲. تعیین یک سفیر به عنوان نماینده اداره کل و نماینده ارشد دولت آمریکا در کشورهای اروپایی



۳. استفاده از توان و مشارکت خود کشورها در کنار کمک‌های خارجی
۴. نظارت مستمر کنگره بر اجرای طرح و انتشار گزارش‌های عملکرد ماهانه توسط اداره کل
۵. مدیریت هوشمند کمک‌های مالی، به‌عنوان نمونه دادن مجوز خرید اقلام موردنیاز از تأمین‌کنندگان آمریکایی و ممانعت از دادن وجه نقد
۶. زمینه‌سازی فرهنگی برای طرح از طریق ساخت فیلم و تبلیغات مختلف رسانه‌ای
۷. ایجاد سازوکار بازپرخش منابع در پروژه‌های زیرساختی جدید به این صورت که هر شرکت تجاری خصوصی یا آژانس دولتی که نیاز وارداتی داشت، با استفاده از اعتباری که اداره کل همکاری‌های اقتصادی آمریکا در اختیارش قرار می‌داد، واردات می‌کرد و پس از آن هنگامی که خریدش را تحویل می‌گرفت، هزینه‌ی آن را به دولتش با پول ملی خود (وجوه متقابل) تحویل می‌داد. این وجوه در یک حساب مشخص ذخیره می‌شد و با تأیید اداره کل همکاری‌های اقتصادی آمریکا در طرح‌های دیگر بازسازی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲-۱. برنامه اصل ۴ ترومن و اداره کل همکاری‌های فنی (TCA)

به موازات اجرای طرح مارشال در اروپا، هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در ژانویه ۱۹۴۹ اصول چهارگانه دکترین سیاست خارجی خود را ارائه کرد. موضوع چهار اصل دکترین ترومن بدین شرح بود: ۱. حمایت از سازمان ملل ۲. ادامه اجرای طرح مارشال در اروپا ۳. کمک نظامی به دولت‌های ضد کمونیست ۴. ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه.^۱

اصل چهارم، نسبت به اصول دیگر برای آمریکا اهمیت بیشتری داشت و به یک عنوان برنامه کمک فنی برای ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در «کشورهای در حال توسعه» محسوب می‌شد. ترومن در توضیح اصل چهارم دکترین

1. <http://www.iichs.ir/News-5231/id=5231>

خود می‌گوید: «ایالات متحده در زمینه توسعه فنون صنعتی و علمی در بین کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. منابع مادی که می‌توانیم از آن‌ها برای کمک به سایرین استفاده کنیم، محدود است. اما منابع بی‌حساب ما در دانش فنی دائماً در حال رشد و پایان‌ناپذیر هستند»^۱. با وجود اینکه در ابتدا برفنی بودن کمک‌های ذیل اصل ۴ تأکید می‌شد، اما در ادامه کمک‌های مالی و نظامی نیز در همین چارچوب انجام می‌گرفت. از نظر تمرکز جغرافیایی، این دو برنامه (مارشال و اصل ۴) در کشورهای مختلف اجرا می‌شدند. تمرکز مارشال بر اروپا و تمرکز اصل ۴ بر کشورهای توسعه‌نیافته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود. تا سال ۱۹۵۳ که آیزنهاور به ریاست جمهوری رسید، از نام «برنامه اصل ۴» در کمک‌های خارجی استفاده می‌شد.



به‌موازات اجرای طرح مارشال در اروپا، هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در ژانویه ۱۹۴۹ اصول چهارگانه دکترین سیاست خارجی خود را ارائه کرد. موضوع چهارم دکترین ترومن بدین شرح بود: ۱. حمایت از سازمان ملل ۲. ادامه اجرای طرح مارشال در اروپا ۳. کمک نظامی به دولت‌های ضد کمونیست ۴. ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه

آمریکا از اجرای اصل ۴ ترومن چند هدف را پیگیری می‌کرد:^۲

۱. کاهش تهدید کمونیسم از طریق کمک به کشورها: در فضای دوقطبی پس از جنگ جهانی دوم، نفوذ شوروی در کشورهای مختلف می‌توانست در تقابل با امنیت و منافع ملی آمریکا تفسیر شود. لذا آمریکا تلاش می‌کرد از طریق کمک نظامی، اقتصادی و فنی به کشورهای جهان سوم، در برابر نفوذ کمونیسم بایستد.
۲. ایجاد بازار برای آمریکا با کاهش فقر در کشورهای توسعه‌نیافته: به واسطه ارتقای کشورهای توسعه‌نیافته، نیازهای آن‌ها نیز متحول می‌گردید و آمریکا می‌توانست از

1. https://en.wikipedia.org/wiki/PointFour_Program

2. <http://ensani.ir/fa/article/11587>



این طریق برای کالاهای خود بازارهای جدیدی بسازد.

۳. کمک به بهره‌برداری مواد خام در کشورهای توسعه‌نیافته: کشورهای توسعه‌نیافته برای اکتشاف و استخراج مواد خام (نفتی، معدنی و ...) نیاز به سرمایه‌گذاری و فناوری داشتند. آمریکا از طریق اجرای اصل ۴ می‌توانست هم‌نیاز کشورها برای اکتشاف و استخراج منابع را رفع کند و هم مواد اولیه موردنیاز برای صنایع خود را تأمین کند.

۴. نفوذ در حکمرانی کشورها: پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به دنبال این بود تا بتواند هژمونی خود را در کشورهای مختلف جهان گسترش دهد. این کشور برای گسترش هژمونی خود باید در نظام حکمرانی آن‌ها نفوذ می‌کرد که این امر از طریق اجرای برنامه اصل ۴ ترومن صورت می‌گرفت.

۵. کسب اطلاعات از کشورهای هدف: الزام اصلی نفوذ در این کشورها، کسب اطلاعات بود. آمریکا از طریق همکاری‌های ذیل اصل ۴ توانست بخش زیادی از اطلاعات موردنیاز خود را از کشورهای هدف جمع‌آوری کند.

برنامه اصل ۴ در ژوئن ۱۹۵۰ توسط کنگره به قانون «کمک‌های اقتصادی خارجی» الحاق شد و اداره کل همکاری‌های فنی (TCA) در وزارت امور خارجه برای اجرای این برنامه ایجاد شد. رئیس اداره کل همکاری‌های فنی (TCA) با مشورت و موافقت سنا، از سوی رئیس‌جمهور تعیین می‌شد.^۱

۳-۱. طرح امنیت متقابل و آژانس مربوط به آن (MSA)

به موازات پیگیری طرح مارشال و برنامه اصل ۴، برنامه دیگری برای کمک‌های نظامی به کشورهای جهان پیگیری می‌شد. جنگ سرد با شوروی، مستلزم تجهیز متحدین آمریکا بود. از سوی دیگر آمریکا صنعت عظیم نظامی در جنگ جهانی دوم ایجاد کرده بود، و ادامه حیات این صنعت، نیاز به بازار داشت. در نتیجه

1. <https://history.state.gov/departmenthistory/people/principalofficers/administrator-technical-cooperation-administration>

در اکتبر ۱۹۴۹ قانون «کمک به دفاع متقابل»^۱ در کنگره به تصویب رسید تا هم متحدین آمریکا از نظر نظامی تقویت شوند و هم صنعت عظیم نظامی آمریکا رونق خود را حفظ کند.^۲

تکمیل بازسازی اروپا (طرح مارشال) و فضای به وجود آمده در جنگ کره، باعث اولویت بیشتر کمک‌های نظامی از سال ۱۹۵۱ شد تا جلوی نفوذ نظامی شوروی گرفته شود.^۳ در اکتبر ۱۹۵۱، قانون امنیت متقابل در کنگره تصویب گردید. این قانون، کمک‌های نظامی و اقتصادی را هماهنگ و یکپارچه کرد و با لغو اداره کل همکاری‌های اقتصادی (ECA)، کارکردهای آن را به آژانس امنیت متقابل (MSA) منتقل کرد و اداره کل همکاری‌های فنی (TCA) نیز ذیل این آژانس به فعالیت خود ادامه داد.^۴



در اکتبر ۱۹۵۱، قانون امنیت متقابل در کنگره تصویب گردید. این قانون، کمک‌های نظامی و اقتصادی را هماهنگ و یکپارچه کرد و با لغو اداره کل همکاری‌های اقتصادی (ECA)، کارکردهای آن را به آژانس امنیت متقابل (MSA) منتقل کرد و اداره کل همکاری‌های فنی (TCA) نیز ذیل این آژانس به فعالیت خود ادامه داد.

آژانس امنیت متقابل (MSA)، کمک‌های غیرنظامی و نظامی به کشورهای دیگر را مدیریت می‌کرد و مستقیماً به رئیس‌جمهور گزارش می‌داد. با وجود اینکه MSA بر کمک‌های مالی در مقیاس بزرگ به متحدان ایالات متحده، تأکید داشت، اما

1. Mutual Defense Assistance Act
2. https://en.wikipedia.org/wiki/Mutual_Defense_Assistance_Act
3. https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_Agency_for_International_Development
4. <https://www.archives.gov/research/foreign-policy/related-records/rg-469>



متأثر از تشکیل ناتو و جنگ کره، بیشتر برای کمک‌های نظامی در نظر گرفته شده بود. قانون امنیت متقابل تا ۱۹۶۱ هر سال تمدید می‌شد و هر ساله اختلافاتی در مورد اندازه بودجه، کمک‌های خارجی و تعادل بین کمک‌های نظامی و اقتصادی ایجاد می‌کرد.^۱ آمریکا از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۱ به طور میانگین ۷٫۵ میلیارد دلار در سال کمک نظامی و اقتصادی به کشورهای دیگر ارائه کرد. به عنوان نمونه جدول شماره ۱ کمک‌های آمریکا در سال ۱۹۵۱ را به تفکیک منطقه و نوع کمک نشان می‌دهد:^۲

جدول شماره ۱- کمک‌های آمریکا در سال ۱۹۵۱ به کشورهای مختلف

ردیف	منطقه	نظامی	اقتصادی
۱	اروپا	\$ ۵,۰۷۲,۴۷۶,۲۷۱	\$ ۱,۰۲۲,۰۰۰,۰۰۰
۲	خاور نزدیک و آفریقا	\$ ۳۹۶,۲۵۰,۰۰۰	\$ ۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	آسیا و اقیانوسیه	\$ ۵۳۵,۲۵۰,۰۰۰	\$ ۲۳۷,۱۵۵,۸۶۶
۴	جمهوری آمریکا	\$ ۳۸,۱۵۰,۰۰۰	\$ ۲۱,۲۴۵,۶۵۳
۵	مجموع	\$ ۶,۰۴۲,۱۲۶,۲۷۱	\$ ۱,۴۴۰,۴۰۱,۵۱۹

۴-۱. اداره عملیات خارجی (FOA)

پس از بیست سال اداره دولت به دست دموکرات‌ها، در سال ۱۹۵۳، آیزنهاور جمهوری خواه به قدرت رسید. از آنجاکه جمهوری خواهان تمایل کمتری به کمک‌های خارجی دارند، دولت جدید با هدف اداره کارآمد دولت و کاهش هزینه‌ها دست به اقداماتی زد. دولت آیزنهاور با چابک سازی ساختار، پیشنهاد کرد که

1. https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_Agency_for_International_Development

2. https://www.reddit.com/r/ColdWarPowers/comments/f5b1uz/diplomacy_all_4_tha_cah_mutual_security_act/

متحدین ایالات متحده به جای کمک‌های اقتصادی، خود را از طریق صادرات تأمین مالی کنند. در نتیجه سیاست کاهش کمک‌های خارجی در سال ۱۹۵۳ در پیش گرفته شد و در همین سال، با لغو آژانس امنیت متقابل، اداره‌ی عملیات خارجی (FOA) تشکیل گردید. MSA و TCA (که تحت نظارت MSA بود)، از اوت سال ۱۹۵۳ منحل شد و دفاتر آن‌ها در کشورهای مختلف به «هیئت‌های عملیاتی ایالات متحده» (USOMs) تحت نظر «FOA» تبدیل شدند.^۲ برخلاف ترومن که تمرکز ویژه‌ای بر اروپا داشت، آیزنهاور بر آسیا تمرکز کرد.

۵-۱. اداره همکاری‌های بین‌المللی (ICA) و صندوق وام توسعه‌ای (DLF)^۳

تا سال ۱۹۵۵، کمک‌های نظامی و غیرنظامی (توسعه‌ای) تحت مدیریت واحد اداره عملیات خارجی (FOA) قرار داشت. در می ۱۹۵۵، آیزنهاور اداره عملیات خارجی را لغو و کمک‌های نظامی و غیرنظامی را از یکدیگر تفکیک کرد. در نتیجه مدیریت کمک‌های نظامی به وزارت دفاع سپرده شد و برای مدیریت کمک‌های توسعه‌ای غیرنظامی، اداره همکاری‌های بین‌المللی (ICA) در وزارت امور خارجه تشکیل شد. ICA مدیریت کمک‌های خارجی غیرنظامی و انجام کلیه برنامه‌های امنیتی غیرنظامی را بر عهده داشت.^۴ در سال ۱۹۵۷، با اصلاح قانون امنیت متقابل، صندوق وام توسعه‌ای (DLF) تشکیل شد. این صندوق بازوی وام‌دهنده اداره همکاری‌های بین‌المللی (ICA) بود و معاون وزیر امور خارجه به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره آن منصوب می‌شد.

DLF با این راهبرد اداره می‌شد که باید از شرکت‌ها و سرمایه‌های خصوصی حمایت کند و با آن‌ها رقابت نکند. این صندوق وام‌های نرم (با نرخ سود پایین و مهلت

1. United States Operations Missions

2. <https://catalog.archives.gov/id/10477107>

3. Development Loan Fund

4. https://en.wikipedia.org/wiki/InternationalCooperation_Administration





در می ۱۹۵۵، آیزنهاور اداره عملیات خارجی را لغو و کمک‌های نظامی و غیرنظامی را از یکدیگر تفکیک کرد. در نتیجه مدیریت کمک‌های نظامی به وزارت دفاع سپرده شد و برای مدیریت کمک‌های توسعه‌ای غیرنظامی، اداره همکاری‌های بین‌المللی (ICA) در وزارت امور خارجه تشکیل شد.

پرداخت طولانی‌مدت) پرداخت می‌کرد. در برخی از پروژه‌های مشترک، وام‌های نرم DLF با وام‌های سخت بانک جهانی ترکیب می‌شد. این قابلیت نیز در صندوق دیده شده بود که وام‌ها به ارزهای محلی بازپرداخت شود. همان‌طور که در طرح مارشال، آمریکا توانسته بود به واسطه صندوق‌هایی به ارز محلی کشورهای اروپایی در ساختار حکمرانی این کشورها نفوذ کند، بازپرداخت وام‌های DLF به ارزهای محلی کشورها نیز این امکان را به آمریکا می‌داد تا در حکمرانی آن‌ها نفوذ داشته باشد؛ زیرا تخصیص وام با ارزهای محلی و اجرای پروژه‌های اقتصادی تحت مدیریت آمریکا صورت می‌گرفت. DLF عمدتاً از پروژه‌های سرمایه‌ای، زیرساخت‌ها و کشاورزی حمایت می‌کرد.

۱-۶. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID)

در سال ۱۹۶۱، قانون «کمک‌های خارجی» جایگزین قانون «امنیت متقابل» شد و با تلفیق ICA و DLF، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) تشکیل شد. پس از تشکیل آژانس، کمک‌های بین‌المللی رشد چشم‌گیری داشت. هدف و تمرکز آژانس در دهه ۱۹۶۰ کمک‌های فنی و مالی بود. در دهه ۱۹۷۰ بیش‌تر در حوزه نیازهای اساسی (غذا و تغذیه، برنامه‌ریزی جمعیت، سلامت، تحصیلات و توسعه منابع انسانی) و در دهه ۱۹۸۰ به موضوع گسترش بازارهای آزاد (تثبیت ارزها و سیستم‌های مالی) تکیه داشت. در این دهه اصول مبتنی بر بازار را برای بازسازی سیاست‌ها و نهادهای کشورهای در حال توسعه ترویج می‌کرد و از طریق احیای

1. https://pdf.usaid.gov/pdf_docs/pdabc787.pdf

کشاورزی و گسترش بازارهای داخلی، فرصت‌های اشتغال و درآمد ایجاد می‌کرد. در این دوره، فعالیت‌های توسعه‌ای به‌طور فزاینده‌ای از طریق سازمان‌های داوطلب خصوصی (PVO)^۱ هدایت می‌شدند و کمک‌ها از تک‌پروژه‌ها به برنامه‌های بزرگ منتقل می‌شد. در دهه ۱۹۹۰، توسعه پایدار، تبدیل به اولویت اصلی USAID شد. این آژانس بعد از فروپاشی شوروی، نقش اصلی را برای توسعه نفوذ آمریکا در حکمرانی کشورهای باقی‌مانده از شوروی داشت.



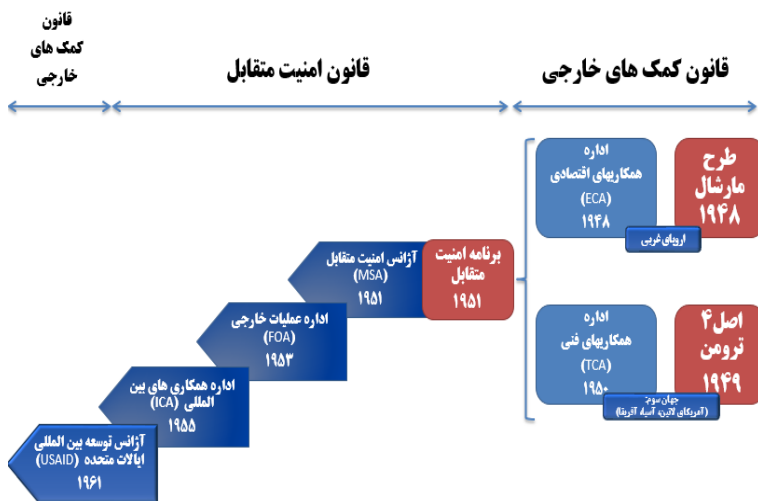
امروزه USAID در بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر جهان در راستای پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا (گسترش هژمونی، گسترش لیبرال دموکراسی و بازارهای آزاد) فعالیت دارد و از طریق سرمایه‌گذاری‌هایی که بازارهای صادراتی ایالات متحده را گسترش می‌دهد، اقتصاد آمریکا را ارتقا می‌دهد.

در دهه ۲۰۰۰ با وقوع جنگ‌های افغانستان و عراق، به‌صورت همه‌جانبه از USAID خواسته شد تا به بازسازی دولت، زیرساخت‌ها، جامعه مدنی و خدمات اساسی مانند مراقبت‌های بهداشتی و آموزش در آن دو کشور بپردازد. آژانس با بیشترین تخصیص بودجه شروع به بازسازی کرد. همچنین اقداماتی برای همکاری با سازمان‌های شریک جدید - از جمله بخش خصوصی و بنیادها - در راستای گسترش کمک‌های خارجی آغاز شد.

امروزه USAID در بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر جهان در راستای پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا (گسترش هژمونی، گسترش لیبرال دموکراسی و بازارهای آزاد) فعالیت دارد و از طریق سرمایه‌گذاری‌هایی که بازارهای صادراتی ایالات متحده را گسترش می‌دهد، اقتصاد آمریکا را ارتقا می‌دهد.^۲

1. Private Voluntary Organization
2. <https://www.usaid.gov/who-we-are/usaid-history>





شکل شماره ۱- سیر تشکیل آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده

۱-۶-۱. شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی در خارج از کشور (OPIC)^۱

برای اینکه همه با اقتصادی برنامه‌های توسعه‌ای آمریکا بردوش دولت نباشد، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های توسعه‌ای این کشور از زمان اجرای طرح بازسازی اروپا (مارشال)، وجود داشته و پس از آن نیز ادامه پیدا کرده بود. اما در سال ۱۹۷۱ همه‌ی تلاش‌ها برای هدایت سرمایه‌های خصوصی در راستای اهداف توسعه‌ای آمریکا در یک شرکت تجمیع شد. در این سال، برای مدیریت برنامه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و هدایت این سرمایه‌ها برای توسعه (در راستای سیاست خارجی و اهداف امنیت ملی آمریکا)، شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی در خارج از کشور (OPIC) ذیل USAID ایجاد شد.^۲

1. Overseas Private Investment Corporation

2. https://en.wikipedia.org/wiki/Overseas_Private_Investment_Corporation

این شرکت کاملاً متعلق به دولت آمریکا بود و با یک هیئت‌مدیره ۱۵ نفره اداره می‌شد که هشت نفر از آن‌ها از بخش خصوصی و هفت نفر از دولت فدرال منصوب می‌شدند. OPIC از ابتدای تأسیس تا زمان انحلال در سال ۲۰۱۸، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور را پشتیبانی کرد. این شرکت از طریق همکاری با بخش خصوصی آمریکا، به مشاغل آمریکا کمک کرد تا در بازارهای در حال ظهور، درآمد، شغل و فرصت‌های رشد در داخل و خارج از کشور به دست آورند. این شرکت هزینه‌های خود را تأمین می‌کرد و هیچ هزینه‌ای برای مالیات‌دهندگان آمریکایی نداشت. OPIC با ارائه خدمات مالی از جمله «تأمین مالی» به شکل «وام مستقیم» و «ضمانت وام»، «بیمه ریسک سیاسی» و ایجاد «صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی»، از هدایت سرمایه‌های خصوصی در پروژه‌های توسعه‌ای، پشتیبانی می‌کرد:

الف) تأمین مالی

OPIC اعتبار لازم برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری واجد شرایط را در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور از طریق «وام مستقیم» و «ضمانت وام» فراهم می‌کرد. این شرکت به کمک بخش خصوصی، می‌توانست در کشورهایی که مؤسسات مالی معمولی اغلب تمایلی ندارند و یا قادر به اعطای چنین وام‌هایی نیستند، تأمین مالی کند.



OPIC اعتبار لازم برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری واجد شرایط را در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور از طریق «وام مستقیم» و «ضمانت وام» فراهم می‌کرد. این شرکت به کمک بخش خصوصی، می‌توانست در کشورهایی که مؤسسات مالی معمولی اغلب تمایلی ندارند و یا قادر به اعطای چنین وام‌هایی نیستند، تأمین مالی کند.



این شرکت می‌توانست نیازهای بلندمدت سرمایه‌گذاری برای کسب‌وکارها با اندازه‌های مختلف و در طیف گسترده‌ای از صنایع را تأمین کند. حداقل حجم «ضمانت» و «وام» از سوی OPIC، ۳۵۰ هزار دلار و حداکثر ۲۵ میلیون دلار بود. اگر یک پروژه به اعتبار بیش از حداکثر ظرفیت وام نیاز داشت، OPIC با وام‌دهندگان دیگر برای جذب منابع کافی در یک پروژه همکاری می‌کرد.

ب) بیمه ریسک سیاسی

سرمایه‌گذاری در بازارهای نوظهور می‌تواند انواع ریسک‌های سیاسی فراتر از کنترل سرمایه‌گذار را در پی داشته باشد. ریسک سیاسی می‌تواند ناشی از جنگ، درگیری سیاسی، انقلاب، تروریسم، سلب مالکیت دولتی یا مصادره دارایی‌ها و هرگونه اتفاق سیاسی که باعث غیرقابل بازگشت شدن ارزش می‌شود، باشد. OPIC از طریق «بیمه ریسک سیاسی» این ریسک‌ها را پوشش می‌داد و خسارت بر دارایی‌های ملموس، ارزش سرمایه‌گذاری و درآمدها را جبران می‌کرد.



ریسک سیاسی می‌تواند ناشی از جنگ، درگیری سیاسی، انقلاب، تروریسم، سلب مالکیت دولتی یا مصادره دارایی‌ها و هرگونه اتفاق سیاسی که باعث غیرقابل بازگشت شدن ارزش می‌شود، باشد. OPIC از طریق «بیمه ریسک سیاسی» این ریسک‌ها را پوشش می‌داد و خسارت بر دارایی‌های ملموس، ارزش سرمایه‌گذاری و درآمدها را جبران می‌کرد.

بیمه ریسک سیاسی OPIC برای سرمایه‌گذاری در ۱۵۰ کشور در حال توسعه از جمله کشورهای با ریسک بالا مانند جمهوری دموکراتیک کنگو، عراق، افغانستان و پاکستان در اختیار سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، پیمانکاران، صادرکنندگان و سازمان‌های غیردولتی بود. مانند هر بیمه دیگری، دامنه دقیق پوشش طبق شرایط بیمه‌نامه تنظیم می‌شد. در نتیجه، بیمه ریسک سیاسی OPIC (همراه با گزینه‌های

1. <http://mid-oecd.asean.org/overseas-private-investment-corporation-opic/>

تأمین مالی آن) به کسب و کارهای آمریکایی اجازه می‌داد تا از فرصت‌های جذاب تجاری در بازارهای نوظهور، از طریق کاهش ریسک و کمک برای رقابت در یک بازار جهانی استفاده کنند.

ج) صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی

در پاسخ به کمبود سرمایه خصوصی در کشورهای در حال توسعه، OPIC از ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و مدیریت‌شده پشتیبانی می‌کرد. این صندوق‌ها سهام مستقیم و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به سهام را در بازارهای نوظهور ایجاد می‌کردند.

OPIC از سال ۱۹۸۷ از ۴/۴ میلیارد دلار و ۶۳ صندوق سهام خصوصی در بازارهای نوظهور حمایت کرده است. این صندوق‌ها به نوبه خود ۵٫۶ میلیارد دلار در بیش از ۵۷۰ شرکت خصوصی و مدیریت‌شده در ۶۵ کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند.^۱ OPIC از طریق تعهدات خود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا و توسعه اقتصادی و اجتماعی در بازار کشورهای هدف را تسریع می‌کرد.

۱-۶-۲. مؤسسه اعتبار توسعه‌ای (DCA^۲)

استفاده از منابع مالی «آمریکایی» در همه پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف، اقدام ساده‌ای نیست. حتی در کشورهای فقیر، منابع قابل توجهی از سرمایه خصوصی وجود دارد که می‌توان از این «منابع مالی محلی» برای تحقق اهداف توسعه‌ای استفاده کرد. مؤسسه اعتبار توسعه‌ای (DCA) ابزاری بود که در سال ۱۹۹۹ ذیل USAID ایجاد شد تا از «ضمانت» برای هدایت «منابع مالی محلی خصوصی» در راستای اهداف توسعه‌ای (از طریق ایجاد روابط مشترک تقسیم ریسک با مؤسسات مالی خصوصی کشورها) با پشتوانه اعتبار دولت آمریکا استفاده

1. <https://www.devex.com/organizations/overseas-private-investment-corporation-opic-united-states-44419>

2. Development Credit Authority



کند. البته USAID از این ابزار در هدایت منابع مالی آمریکایی نیز استفاده می‌کند، اما عمده تمرکز آن بر منابع محلی بود.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دسترسی به سرمایه برای شرکت‌های کوچک و متوسط بسیار سخت است. بانک‌های محلی معمولاً به شرکت‌های بزرگ و دولت وام می‌دهند زیرا این وام‌گیرندگان «مطمئن» هستند. اما این بانک‌ها نسبت به وام دادن به کسب‌وکارهای کوچک‌تر تردید دارند، زیرا وام دادن به این کسب‌وکارها، پریسک است. USAID از طریق DCA، حداکثر ۵۰ درصد وام یک موسسه مالی یا بانک محلی را تضمین می‌کند تا به واسطه کاهش ریسک، آن‌ها را به وام دادن به کارآفرینان محلی ترغیب کند. علاوه بر تأمین اعتبار برای پروژه‌ها، ارائه ضمانت به بانک‌های محلی ثابت می‌کند که وام به بخش‌های تحت حمایت، می‌تواند سودآور باشد. با گذشت زمان، این اقدام DCA، به مؤسسات محلی کمک می‌کند تا حتی بدون ضمانت DCA وام‌های جدید به کسب‌وکارهای محلی ارائه دهند و این امر منجر به تقویت ظرفیت وام‌دهی بانک‌ها و مؤسسات محلی شود. همچنین DCA فراتر از پوشش یک ضمانت، به آموزش و کمک‌های حرفه‌ای برای مشارکت بلندمدت یک موسسه مالی در بازارهای اعتباری محلی اقدام می‌کند.

DCA از زمان صدور اولین ضمانت در فیلیپین در سال ۱۹۹۹، تا انحلال آن در سال ۲۰۱۸، در ۷۶ کشور جهان ۵۷۴ ضمانت صادر کرده بود، در نتیجه بیش از ۲۴۶ هزار وام محلی با نرخ ۲٫۴ درصد به میزان ۴٫۸ میلیارد دلار بودجه خصوصی برای شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط، شرکت‌های کشاورزی، زیرساخت‌ها و سایر پروژه‌هایی که به رشد اقتصادی و توسعه در اقتصادهای نوظهور کمک می‌کند، تأمین کرده است.^۱

همان‌طور که در بخش قبلی توضیح داده شد، OPIC نیز ضمانت‌هایی برای وام

1. <https://www.developmentaid.org/#!/jobs/view/740154/development-credit-authority-health-sector-consultant>

ارائه می‌داد، اما اهداف و شرایط آن با DCA متفاوت بود. DCA تنها تا ۵ درصد ضمانت برای مؤسسات آمریکایی و غیر آمریکایی با هدف جذب اعتبار سرمایه‌های محلی برای بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط، در اقتصادهای نوظهور انجام می‌داد. اما OPIC با صدور ضمانت تا سقف ۱۰۰ درصدی از سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در بازارهای پیچیده و نوظهور حمایت کرده است.^۱

جدول شماره ۲- تفاوت‌های OPIC و DCA در صدور ضمانت‌نامه

موسسه	گروه هدف	سقف ضمانت
OPIC	مؤسسات آمریکایی و غیر آمریکایی	۵۰ درصد
DCA	شرکت‌های آمریکایی	۱۰۰ درصد

۱-۶-۳. شرکت بین‌المللی تأمین مالی توسعه‌ای (DFC)

در سال ۲۰۱۸ قانون «به‌کارگیری بهتر سرمایه‌گذاری توسعه‌ای» (BUILD^۲) در کنگره تصویب شد و با ادغام OPIC و DCA، شرکت تأمین مالی توسعه‌ای (DFC) تشکیل گردید. DFC این اختیار را دارد که به شرکت‌هایی که مایل به مشارکت در کشورهای درحال توسعه هستند تا ۶ میلیارد دلار خدمات مالی به صورت «وام»، «ضمانت وام» و «بیمه» ارائه کند.^۴ شرکت تأمین مالی توسعه‌ای (DFC)، یک نهاد تلفیقی است که توانایی‌های OPIC و DCA را در کنار هم دارد. این نهاد ضمن معرفی خدمات مالی جدید و نوآورانه برای هدایت سرمایه‌های خصوصی به کشورهای هدف، از انعطاف‌پذیری

1. <https://www.csis.org/analysis/20-years-development-credit-authority>

2. Development Finance Corporation

3. Better Utilization of Investments Leading to Development Act

4. https://www.nytimes.com/2018/10/14/world/asia/donald-trump-foreign-aid-bill.html?emc=edit_nn_20181015&nl=morning-briefing&nid=1418504420181015&te=1



بیشتری برای حمایت از سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه برخوردار است. تمرکز اصلی DFC مانند OPIC بر حمایت از مشاغل آمریکایی از طریق «تأمین مالی» میان مدت و بلندمدت به شکل «وام» و «ضمانت» برای سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط در کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور است. DFC دو اقدام عملیاتی را در دستور کار خود دارد اولاً ارائه «بیمه ریسک سیاسی» که پوشش حداکثر یک میلیارد دلار در برابر ضرر ناشی از عدم برگشت ارز، دخالت دولت و خشونت سیاسی از جمله تروریسم را شامل می‌شود. ثانیاً ارائه پشتیبانی مالی برای ایجاد «صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی» و مدیریت شده را انجام می‌دهد. DFC همچنین مجاز است تا ۱۰٪ از سهام کسب‌وکارها در کشورهای واجد شرایط را به دست آورد. همانند DFC، DCA نیز قادر به ارائه «ضمانت» برای هدایت «منابع محلی» در مسیر توسعه است.^۱

۷-۱. جمع‌بندی

بازسازی اروپا و طرح مارشال شروعی بر پروژه نفوذ اقتصادی ایالات متحده آمریکا در کشورهای مختلف جهان بود. آمریکا در این طرح به دنبال توسعه نفوذ، شبکه‌سازی در حاکمیت کشورها، ایجاد وابستگی، توسعه بازار برای کالاهای آمریکایی، جلوگیری از نفوذ کمونیسم در اروپا، زمینه‌سازی برای حاکم شدن دلار و تأمین مواد اولیه برای صنایع خود... بود. یکی از نقاط قوت و علل موفقیت این طرح، ارائه یک طرح جامع و اجرایی کردن آن از مسیر یک نهاد متولی قدرتمند بود.

جمهوری اسلامی ایران امروز تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای شده و جایگاه جدیدی در مناسبات منطقه و جهان پیدا کرده است. با توجه به این جایگاه جدید در منطقه نیاز به یک طرح جامع و یک نهاد متولی برای گسترش تبادلات منطقه‌ای و گسترش حاکمیت اقتصادی کشور در منطقه احساس می‌شود.

1. <https://www.dfc.gov/who-we-are/overview>

**۲- منافع اقتصادی آزادسازی
توسعه بین‌المللی ایالات متحده
آمریکا برای این کشور**

هدف اولیه کمک‌های خارجی دولت آمریکا، ارتقای امنیت و رفاه در سطح ملی و جهانی از طریق تقویت ثبات اقتصادی، سیاسی و افزایش اعتماد به نفس کشورهای در حال توسعه عنوان می‌شود. به این منظور سرمایه‌گذاری در توسعه جهانی برای امنیت ملی ایالات متحده حیاتی است. کمک‌های خارجی دولت این کشور از طریق آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) به نفع اقتصاد و اشتغال ایالات متحده است. آژانس با حمایت از رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، به ایجاد بازارهای مقاوم و قوی‌تر برای صادرات آمریکا کمک می‌کند. به علاوه این آژانس با هدف توسعه زنجیره‌های تأمین مواد اولیه استراتژیک برای صنایع خاص ایالات متحده از کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کند.

آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده به همراه سازمان‌های همکار و دولت‌های دیگر، یک رهبری جهانی قوی در توسعه و کمک‌های بین‌المللی فراهم کرده است. وضعیت و مکانیسم‌های کمک در طول زمان تغییر کرده و منجر به بهبود اثربخشی کمک‌های توسعه‌ای و برنامه‌های توسعه بین‌المللی ایالات متحده شده است. آژانس در کشورهای هدف دو اقدام کلی «جذاب کردن آن کشور برای سرمایه‌گذاران آمریکایی» و «ادغام کشورها در زنجیره عرضه جهانی شرکت‌های بزرگ آمریکایی» را انجام می‌دهد.

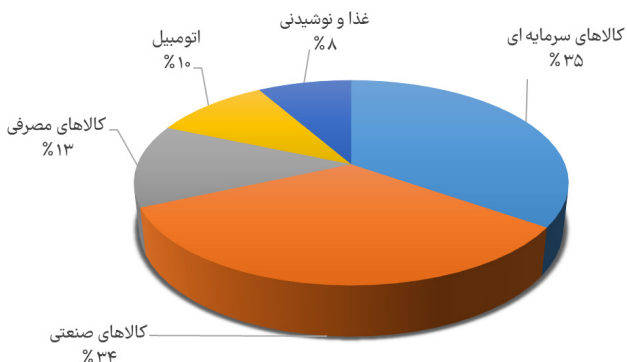


از طرفی کالاهای آمریکایی دارای کشش درآمدی بالایی هستند؛ به عبارت دیگر هر چه کشورها ثروتمندتر بشوند، صادرات آمریکا به آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. به عنوان نمونه در ۱۰ سال گذشته تقریباً دوسوم رشد صادرات کالاهای آمریکایی به شرکای آژانس توسعه بوده است. لذا رشد صادرات یک عامل حیاتی برای خروج اقتصاد آمریکا از رکودهای اخیر است.

در طول این سال‌ها بسیاری از کشورهای تحت حمایت آژانس از چتر حمایتی خارج شده‌اند و دیگر نیازی به کمک ندارند و تعدادی هم در حال توانمند شدن هستند. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود را به



صورتی طراحی نموده است که منجر به پایداری اقتصادی در میان مدت و بلندمدت می‌شوند و بعد از قطع کمک‌ها هم کاهش رشد اقتصادی و رفاه اتفاق نمی‌افتد. امروزه بازارهای جهانی بسیار رقابتی شده‌اند؛ آمریکا به عنوان دومین صادرکننده بزرگ جهان برای حفظ و توسعه صادرات خود نیاز به بازارهای جدید دارد. از طرفی کالاهای آمریکایی دارای کشش درآمدی بالایی هستند؛ به عبارت دیگر هر چه کشورها ثروتمندتر بشوند، صادرات آمریکا به آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. به عنوان نمونه در ۱۰ سال گذشته تقریباً دوسوم رشد صادرات کالاهای آمریکایی به شرکای آژانس توسعه بوده است. لذا رشد صادرات یک عامل حیاتی برای خروج اقتصاد آمریکا از رکودهای اخیر است.



شکل شماره ۲- صادرات ایالات متحده آمریکا

متن حاضر بر اساس گزارش « سود مشترک: چگونه آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده رشد اقتصادی را در آمریکا افزایش می‌دهد » نگاشته شده است.^۱ در این گزارش به صورت مختصر اقدامات اصلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده در کشورهای هدف و اثرات آن بر اقتصاد آمریکا بررسی شده است.

1. Shared interest: how USAID enhances U.S. economic growth, U.S Agency for International Development, May 2018

۱-۲. توسعه تجارت، رشد اقتصادی و اشتغال آمریکا

آمارهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد ۹۵ درصد مصرف‌کنندگان و ۸۰ درصد قدرت خرید دنیا خارج از آمریکا است؛ براین اساس رشد اقتصادی و تضمین شغلی در آمریکا به گسترش تجارت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری این کشور در بازارهای جهانی بستگی دارد. در ۱۰ سال گذشته گسترش صادرات کالا و خدمات به کشورهای درحال توسعه از مشاغل آمریکایی حمایت کرده و از مهم‌ترین پیشران‌های رشد اقتصادی آمریکا بوده است. به‌عنوان نمونه طی یک دهه گذشته از ۲۰۰۵-۲۰۱۵، تولید ناخالص داخلی آمریکا ۱۲ درصد رشد داشته است که از این رقم ۲۹ درصد ناشی از صادرات کالا و خدمات است. این موضوع نتیجه گسترش سریع بازارها در کشورهای درحال توسعه است. برای مثال در دهه گذشته رشد واردات کشورهای درحال توسعه ۵۱ درصد بوده؛ این در حالی محقق شده که افزایش کل واردات جهانی، تنها ۱۸ درصد رشد داشته است.^۱

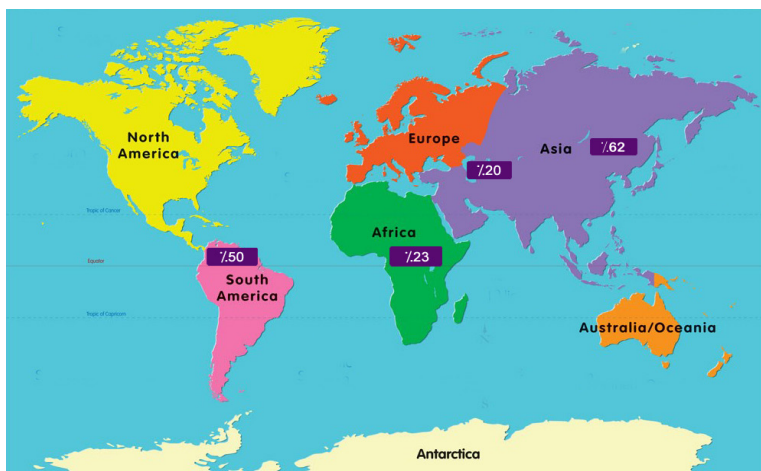
صادرات کالاهای آمریکایی به کشورهای با درآمد کم و متوسط در یک دهه گذشته ۴۰ درصد رشد داشته که به دلیل رشد رفاه در این کشورها محقق شده است. این مناطق همان مکان‌هایی هستند که USAID برنامه‌های اصلاحی مالی، سلامت، آموزش و توسعه را اجرا کرده است. به‌عنوان مثال صادرات آمریکا به آسیای شرقی و اقیانوس آرام ۶۲ درصد، آمریکای لاتین و دریای کارائیب ۵۰ درصد، کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۲۳ درصد و کشورهای آسیای شرقی و مرکزی ۲۰ درصد رشد داشته است.^۲ حتی کشورهایی که برنامه‌های آژانس در آن‌ها به پایان رسیده و دیگر خدمات دریافت نمی‌کنند نیز واردات خود را از آمریکا به میزان قابل توجهی افزایش داده‌اند. در سال ۱۹۹۵ واردات ۱۱ کشور اروپایی و اوراسیایی از آمریکا کمی بیش

1. Calculated from IMF Direction of Trade Statistics. World Bank (income classifications).

2. Calculated from USITC Dataweb, World Bank (income classifications).



از ۲ میلیارد دلار بود که این میزان در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است.^۱ از طرف دیگر کشور کوچکی مانند لیبریا نیز بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ با استفاده از برنامه‌ها و پروژه‌هایی که آژانس در این کشور انجام داده است؛ تولید ناخالص داخلی سرانه خود را از ۱۸۳ دلار به ۴۵۶ دلار رسانده و در همین زمان میزان تجارت خود با آمریکا را از ۲٫۵ میلیون دلار کسری به ۹۱ میلیون دلار مازاد افزایش داده است.



شکل شماره ۳- رشد صادرات آمریکا به کشورهای با درآمد کم و متوسط

صادرات خدمات نقش بسیار مهمی در برنامه‌های آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده دارد؛ اما داده‌های تجارت، صادرات کالاها را شامل می‌شوند و غالباً

1. Europe and Eurasia graduates include Bulgaria, Croatia, Czech Republic, Estonia, Hungary, Latvia, Lithuania, Poland, Romania, Slovak Republic and Slovenia. Calculated from U.N. COMTRADE International Trade Statistics Database, 2016.

صادرات خدمات را گزارش نمی‌کنند. سهم خدمات در کل تجارت جهانی رو به رشد است و ایالات متحده آمریکا یک تأمین‌کننده اصلی آن است. در حالی که رشد صادرات کالاها در سطح جهانی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ کم‌تر از یک چهارم (۲۱ درصد) بوده است، صادرات خدمات بیش از یک سوم (۳۵ درصد) رشد داشته است. در بین شرکای اصلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، برزیل ۱۴۶ درصد، هند ۸۴ درصد، اندونزی ۴۳ درصد و فیلیپین ۱۴ درصد رشد را در این زمینه داشته‌اند که بخش‌های اصلی آن شامل گردشگری، ارتباط از راه دور، هزینه استفاده از دارایی‌های معنوی و خدمات مالی می‌شود.



صادرات آمریکا به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین باعث ایجاد ۱۱,۵ میلیون شغل در آمریکا است که در این میان صادرات به آسیا به تنهایی باعث ایجاد و حفظ ۳,۴ میلیون شغل در آمریکا شده است.

جدول شماره ۳ - درصد رشد صادرات خدمات در شرکای اصلی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده

درصد رشد صادرات خدمات	کشور	ردیف
۱۴۶	برزیل	۱
۸۴	هند	۲
۴۳	اندونزی	۳
۱۴	فیلیپین	۴

همچنین افزایش تقاضا در کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد شغل در ایالات متحده شده است. صادرات آمریکا به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین باعث ایجاد ۱۱,۵ میلیون شغل در آمریکا است که در این میان صادرات به آسیا به تنهایی



باعث ایجاد و حفظ ۳,۴ میلیون شغل در آمریکا شده است.^۱ به طور خلاصه بسیاری از مشاغل در این کشور از طریق عملکرد صادراتی شرکت‌های آمریکایی در بازارهایی است که آژانس در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است.

۲-۲. رشد اقتصادی، حفظ بازار فروش و افزایش اشتغال حاصل از برنامه‌های

USAID

آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده به دنبال ایجاد رشد سریع، پایدار و مسئولانه در کشورهای شریک از طریق موارد زیر است:

(الف) ثبات اقتصاد کلان

(ب) تقویت بازارهای مالی

(پ) افزایش دسترسی به انرژی

(ت) تقویت کشاورزی

(ج) بهبود محیط کسب و کار برای مشاغل خصوصی

(و) ارتقای آموزشی

(ه) بهبود خدمات بهداشتی

(ی) مقابله و کمک در بحران‌ها

۲-۱. ثبات اقتصاد کلان

یکی از ارکان رشد اقتصادی ثبات اقتصاد کلان است. از طرفی کشورهای در حال توسعه معمولاً با مشکلات ارزی و تراز پرداخت‌ها^۲ مواجه هستند که تأثیرات

1. Shared interest: how USAID enhances U.S. economic growth, U.S. Agency for International Development, May 2018

۲. تراز پرداخت‌های خارجی، صورت حساب مالی است که کلیه مبادلات اقتصادی ساکنین یک کشور را با ساکنین بقیه کشورهای جهان، در یک مدت معین مثلاً یک سال نشان می‌دهد. بنابراین تراز پرداخت‌ها نشان‌دهنده کلیه روابط اقتصادی یک کشور با خارج در طول یک زمان مشخص است. اشخاص حقیقی و حقوقی، شرکت‌ها، مؤسسات، بانک‌ها و ارگان‌های دولتی در طول یک

منفی قابل توجهی بر رشد و ثبات اقتصادی دارند. این بحران‌ها می‌توانند نتیجه «شوک ناگهانی» یا ناشی از «مشکلات اساسی ساختاری» باشند که توانایی کشور را در برآورده کردن مطالبات وارداتی و بازپرداخت بدهی بین‌المللی کاهش می‌دهند. کمک‌های کلان مالی آژانس (MFA^۱) معمولاً به‌عنوان مکمل کمک‌های کلان اقتصادی چندجانبه مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طریق مکانیسم‌های مختلف از جمله «کمک بلاعوض»، «تضمین اوراق بهادار»، «تسویه بدهی» و «وام دولت به دولت» ارائه می‌شود. آژانس برخلاف روش سنتی، دیگر در پروژه‌های خاص شرکت نمی‌کند، بلکه نیازهای عمومی تأمین اعتبار یا نیازهای تأمین مالی در بخش‌های خاص را برطرف می‌کند. در سال‌های اخیر تمرکز کمک‌های آژانس در حوزه ثبات اقتصاد کلان بر تضمین اوراق بهادار بوده است. به‌عنوان نمونه اخیراً کشورهای تونس، اردن و اوکراین از این کمک‌ها بهره‌مند شده‌اند. تضمین اوراق بهادار از ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶ از ۶ کشور به ۱۲ کشور افزایش پیدا کرده است که در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ مبلغی بالغ بر ۲۲٫۸ میلیارد دلار را شامل می‌شود.



کمک‌های کلان مالی آژانس (MFA) معمولاً به‌عنوان مکمل کمک‌های کلان اقتصادی چندجانبه مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طریق مکانیسم‌های مختلف از جمله «کمک بلاعوض»، «تضمین اوراق بهادار»، «تسویه بدهی» و «وام دولت به دولت» ارائه می‌شود.

۲-۲-۲. تقویت بازارهای مالی

کشورها برای رشد اقتصادی، نیاز به یک سیستم مالی قوی، متنوع و تنظیم شده دارند. این سیستم مالی قوی دسترسی آسان و ارزان به سرمایه و جذب سرمایه‌های

سال، معاملات و مبادلاتی با اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی انجام می‌دهند. این معاملات و مبادلات شامل صدور و ورود کالاها و خدمات، اعطاء یا اخذ وام، انجام سرمایه‌گذاری و گرفتن و اهداء هدایای بلاعوض است.

1. Macro-Financial Assistance



خصوصی به کشورها را محقق می‌کند و در نتیجه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه، «محدودیت‌های بازار» و «ضعف نظارتی»، فعالیت سیستم مالی کشور را بسیار دشوار می‌کند. این موضوع سرمایه‌گذاری در مسائل زیربنایی کشورها را کاهش می‌دهد. در این کشورها مؤسسات مالی چند نوع محدود از تسهیلات و آن هم با نرخ‌های بهره بالا و هزینه مبادله زیاد را به مشتریان خود پیشنهاد می‌کنند. در نتیجه نسبت تسهیلات به تولید ناخالص داخلی در سرمایه‌گذاری مشاغل خصوصی پایین می‌آید و کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد؛ زیرا بدون دسترسی به تسهیلات مالی بنگاه‌های جدید نمی‌توانند وارد بازار شوند و بنگاه‌های موجود هم توان انجام طرح‌های توسعه‌ای را ندارند. از طرفی بنگاه‌های کوچک و متوسط^۲ به علت نداشتن سیستم حسابداری استاندارد و دارایی‌های با ارزش، نمی‌توانند برای دریافت تسهیلات وثیقه‌گذاری انجام دهند.^۳ یکی از اهداف اصلی ایالات متحده تشویق و هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی آمریکا به سمت بازارهای هدف USAID است. با این حال، نهادهای تأمین سرمایه خصوصی آمریکایی برای ارائه وام به متقاضیان نیاز به دریافت وثایق معتبر دارند. به این منظور مؤسسه اعتباری توسعه (DCA) که یکی از بخش‌های آژانس بود با استفاده از صدور ضمانت‌نامه به تشویق مؤسسات مالی خصوصی برای دادن تسهیلات به وام‌گیرندگان تحت حمایت می‌پرداخت که این اقدام رشد اقتصادی و دسترسی به تسهیلات را در کشورهای هدف افزایش داد. آفریقا با ۴۷ درصد و آسیا با ۳۲ درصد بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان تضمین‌های DCA بوده‌اند و بخش کشاورزی با ۳۳ درصد و بخش انرژی با ۱۹ درصد بیشترین حجم را از دریافت تسهیلات به خود

-
1. Transaction Cost
 2. Small and Medium-Sized Enterprises
 3. Levine, R. (2005). "Finance and Growth: Theory and Evidence," Handbook of Economic Growth, 1, 865-934

اختصاص داده‌اند. از طرفی نرخ نکول^۱ این تسهیلات بسیار پایین -۲٫۶ درصد- بوده است که نشان از موفقیت آژانس در انتخاب وام‌گیرندگان و نظارت صحیح بر طرح‌های آن‌ها دارد. به‌عنوان مثال DCA از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۸، ۴٫۸ میلیارد دلار سرمایه خصوصی برای ۷۶ کشور و ۲۴۶٫۰۰۰ قرض‌گیرنده تأمین کرده است. به ازای هر یک دلاری که دولت آمریکا در اختیار آژانس قرار داده، DCA توانسته ۸٫۶ دلار سرمایه خصوصی جذب کند. در این فرآیند DCA با استفاده از منابع در اختیار خود و اهرم قرار دادن آن‌ها توانسته نزدیک به ۹ برابر این منابع تأمین مالی انجام دهد.^۲



به‌عنوان مثال DCA از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۸، ۴٫۸ میلیارد دلار سرمایه خصوصی برای ۷۶ کشور و ۲۴۶٫۰۰۰ قرض‌گیرنده تأمین کرده است. به ازای هر یک دلاری که دولت آمریکا در اختیار آژانس قرار داده، DCA توانسته ۸٫۶ دلار سرمایه خصوصی جذب کند.

ضمانت‌نامه‌های صادرشده این توانایی را به سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های آمریکایی می‌دهند تا به راحتی و بدون دغدغه در کشورهای در حال توسعه وارد شوند.

۲-۳. افزایش دسترسی به انرژی

از عوامل مهم رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، عرضه کافی انرژی است و عرضه ناکافی انرژی فرآیند توسعه و رشد را با کندی مواجه می‌کند. رشد مصرف انرژی در کشورهای در حال توسعه سرعت بالایی دارد؛ به‌عنوان نمونه تا سال ۲۰۴۰ حدود ۶۵ درصد مصرف انرژی جهان توسط این کشورها انجام خواهد شد.^۳ همچنین کشورها با درآمد سرانه پایین با دو مشکل «کسری عرضه انرژی» و

1. Default Rate

۲. محاسبات بر اساس آمار و اطلاعات سیستم‌های مدیریت اعتبار در DCA است که بر همه ضمانت‌ها و مشارکت‌های انجام‌شده از طریق DCA نظارت می‌کند.

3. U.S. Energy Information Administration. (2013). "International Energy



«کمبود سرمایه‌گذاری در بخش برق» مواجه هستند که ناشی از دسترسی نداشتن به تأمین مالی بلندمدت و ناکارآمدی ساختارهای تنظیم‌گری است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده از تجاری‌سازی بیش‌تر تأسیسات انرژی حمایت می‌کند که درآمد، پاسخگویی و سرمایه‌پذیری در این صنعت و نیز سرمایه‌گذاری خصوصی را در بخش برق افزایش می‌دهد. با رشد سریع تقاضای انرژی، سرمایه‌گذاری خصوصی در صنعت انرژی برای پاسخگویی به این تقاضای فزاینده ضروری است.



آژانس برای جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش تولید برق و سیستم توزیع به بهسازی، توانمندسازی محیط و حمایت از معاملات اقدام می‌کند و برای تحقق این هدف در کشورهای ذینفع به شکل‌دهی سیاست‌ها، قوانین، چارچوب‌های تنظیم‌گری و بازارهای ملی و محلی انرژی می‌پردازد.

آژانس برای جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش تولید برق و سیستم توزیع به بهسازی، توانمندسازی محیط و حمایت از معاملات اقدام می‌کند و برای تحقق این هدف در کشورهای ذینفع به شکل‌دهی سیاست‌ها، قوانین، چارچوب‌های تنظیم‌گری و بازارهای ملی و محلی انرژی می‌پردازد. به این منظور اقداماتی را از قبیل «بازسازی بخش انرژی»، «افزایش دسترسی از طریق گسترش شبکه و توسعه روش‌های تولید غیرمتمرکز برق»، «ارتقای امنیت انرژی»، «یکپارچه‌سازی خدمات انرژی برای توسعه سایر بخش‌ها» و... انجام می‌دهد.

گسترش بازارهای انرژی در کشورهای در حال توسعه فرصتی مطلوب برای شرکت‌های آمریکایی به منظور صادرات تجهیزات و نرم‌افزارهای بخش انرژی فراهم می‌کند.^۱

Outlook: Future World Energy Demands Driven by Trends in Developing Countries.” <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=14011>

1. Energy at USAID. (2016). “Promoting U.S. Prosperity: The Case for Energy Investment Overseas.” USAID, Washington, DC

منافع اقتصادی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا برای این کشور

صادرات زیرساخت‌های بخش برق به کشورهای همکار آژانس در سال ۲۰۱۵ به میزان ۳٫۶ میلیارد دلار بوده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰ از محل طرح‌های انرژی آژانس در کشورهای در حال توسعه، ۳۶۰۰۰ شغل و ۶٫۲ میلیارد دلار سود برای شرکت‌های آمریکایی به دست خواهد آمد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۳ فقط از محل معاملات تجهیزات تولید برق شرکت GE Energy Management با آفریقا ۱۵۰۰۰ شغل و ۲۵۰ میلیون دلار صادرات برای آمریکا ایجاد شده است. آژانس بین شرکت‌های آمریکایی و دولت‌ها ارتباط ایجاد می‌کند و به شرکت‌ها برای برنده شدن در مناقصه‌ها کمک می‌کند.

۲-۴. تقویت کشاورزی

بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی و بیش از نیمی از اشتغال کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده با سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی سعی دارد تا رشد اقتصادی کشورها را با افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه کشاورزان افزایش دهد. برای تحقق این هدف نیاز به افزایش بهره‌وری است که خود دو اثر اقتصادی دارد: به صورت مستقیم به افزایش درآمد روستائیان منجر می‌شود و به صورت غیرمستقیم از طریق کاهش قیمت محصولات کشاورزی هزینه زندگی تمام مردم را کاهش می‌دهد.^۱ از طرفی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده در کنار ۱۰ عضو دیگر دولت آمریکا در طرح «Feed the Future» مسئول تأمین امنیت غذایی آمریکا شدند. در این طرح از کشاورزان خرد در کشورهای در حال توسعه با هدف افزایش بهره‌وری و تأمین امنیت غذایی حمایت می‌شود. این طرح درآمد کشاورزان را افزایش و فقر در مناطق روستایی را کاهش می‌دهد.^۲ آژانس برای تحقق این اهداف، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

1. Timmer, C. P. (2002). "Agriculture and Economic Development," in Handbook of Agricultural Economics, 2, 1487-1546.

2. USAID (2016). "Progress Report: Growing Prosperity for a Food-secure Future." <https://www.usaid.gov/what-we-do/agriculture-and-food-security>.



۱. سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و فناوری‌های پیشرفته کشاورزی که توسط دانشگاه‌ها و شرکت‌های آمریکایی برای تهیه بذرها و کودهای به‌ترانجام می‌شود. این تحقیقات کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهند.
۲. توسعه بازارهای کشاورزی، گسترش تجارت و استفاده از تلف‌های همراه برای فراهم‌سازی و اطلاع‌رسانی قیمت‌های واقعی که به وسیله آن کشاورزان می‌توانند محصولات خود را با سود بیش‌تری بفروشند.
۳. فراهم آوردن دسترسی به سرمایه و گسترش خدمات که براساس آن، کشاورزان می‌توانند مزارع را گسترش دهند، تجهیزات خریداری کنند و بهترین تکنیک‌ها را برای رشد و ذخیره محصولات زراعی بیاموزند.
۴. کمک به کشورها برای طراحی و اجرای استانداردهای گیاهی، اطمینان از امنیت عرضه داخلی و صادرات این محصولات



در نتیجه این اقدامات تنها در سال ۲۰۱۶ یازده میلیون کشاورز در کشورهای همکار آژانس با فناوری‌های جدید و روش‌های مدیریتی آشنا شدند و میزان فروش محصولات کشاورزی در بازارهای داخلی کشورهای هدف ۹۰۶ میلیون دلار افزایش یافت.

در نتیجه این اقدامات تنها در سال ۲۰۱۶ یازده میلیون کشاورز در کشورهای همکار آژانس با فناوری‌های جدید و روش‌های مدیریتی آشنا شدند و میزان فروش محصولات کشاورزی در بازارهای داخلی کشورهای هدف ۹۰۶ میلیون دلار افزایش یافت.

۲-۵. بهبود محیط کسب‌وکار برای مشاغل خصوصی

توسعه بخش خصوصی از طریق بهبود محیط کسب‌وکار و حمایت کارآفرینی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی است. در نبود حکمرانی مناسب، خانواده‌ها، کارگران و بنگاه‌ها باریسک بالاتر، حمایت کمتر و محدودیت دسترسی به شبکه تامین اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. از طرفی پایین بودن امنیت نگهداری زمین و حقوق مالکیت ضعیف

موجب کاهش دسترسی خانواده‌ها به سرمایه می‌شود.^۱ حمایت‌های ضعیف یا ناکافی از کارگران، آنان را در معرض اشتغال ناامن و با خطرات بالقوه بالا قرار می‌دهد و اجرای ضعیف قراردادها مانع از رشد شرکت‌ها و جلوگیری از سرمایه‌گذاری عمومی - خصوصی می‌شود. همکاری بین بخش‌های دولتی و خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برای افزایش بهره‌وری برخوردار است. اما در صورت عدم وجود نهادهای قدرتمند، این اتحاد می‌تواند ناکارآمد شود و هر دو بخش در جهت افزایش سود خود دست به تبنانی بزنند. این تبنانی موجب فشار به مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذارانی می‌شود که خارج از حلقه تبنانی هستند. در صورتی که کشوری محیط کسب و کار مناسب نداشته باشد، تلاش‌های دولت‌های دوست نتیجه‌ای در جذب سرمایه‌گذاری خصوصی به این کشورها ندارد. ایجاد و حفظ یک محیط کسب و کار توانمند و مؤثر، نیاز به یک چارچوب نظارتی قوی و شفاف برای معاملات تجاری دارد. آژانس با حمایت از «اصلاحات قانون تجارت»، «توانمندسازی اقتصادی زنان»، «ساده‌سازی پروانه‌ها»، «گسترش روش‌های اتوماسیون» و «ساده‌سازی رویه‌های مالیاتی و گمرکی» به کشورها در مسیر بهبود فضای کسب و کار کمک می‌کند. این اصلاحات هزینه‌های راه‌اندازی کار و انجام تجارت را کم می‌کند و زمینه مناسبی برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ایجاد می‌گردد.



مربستان یک نمونه خوب از فعالیت‌های آژانس در این زمینه است که از سال ۲۰۱۱ پروژه فعال‌سازی مشاغل توسط آژانس در این کشور شروع و در این پروژه اقداماتی از قبیل «تغییر روش بودجه‌ریزی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی»، «تهیه و اجرای قانون بازارهای سرمایه»، «تهیه قانون کار جدید» انجام شد. در نتیجه این اقدامات، کشور مربستان در رتبه‌بندی سهولت انجام کسب و کار، بانک جهانی از رتبه ۸۹ در سال ۲۰۱۱ به رتبه ۵۹ در سال ۲۰۱۶ ارتقا یافت.

1. Field, E. (2007). "Entitled to Work: Urban Property Rights and Labor Supply in Peru." *The Quarterly Journal of Economics*, 122(4), 1561-1602.



صربستان یک نمونه خوب از فعالیت‌های آژانس در این زمینه است که از سال ۲۰۱۱ پروژه فعال‌سازی مشاغل توسط آژانس در این کشور شروع و در این پروژه اقداماتی از قبیل «تغییر روش بودجه‌ریزی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی»، «تهیه و اجرای قانون بازارهای سرمایه»، «تهیه قانون کار جدید» انجام شد. در نتیجه این اقدامات، کشور صربستان در رتبه‌بندی سهولت انجام کسب‌وکار، بانک جهانی از رتبه ۸۹ در سال ۲۰۱۱ به رتبه ۵۹ در سال ۲۰۱۶ ارتقا یافت.

۲-۲-۶. ارتقای آموزشی

آموزش با افزایش کمیّت و کیفیت «سرمایه انسانی»، «ظرفیت نوآوران» و «فناوری‌های جدید» رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۱ به‌عنوان مثال هر سال افزایش در تحصیلات موجب ۱۰ درصد افزایش در درآمد فرد می‌شود. سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش روی سایر حوزه‌ها از قبیل کشاورزی، دارایی، بهداشت و ... اثر می‌گذارد.^۲



در کشورهای در حال توسعه باید دسترسی و کیفیت آموزشی در دو سطح آموزش عالی و ابتدایی گسترش یابد تا به رشد اقتصادی منجر شود. افزایش متوسط تحصیلات عالی یک کشور به میزان یک سال می‌تواند نیم درصد رشد تولید ناخالص داخلی را اضافه کند

در کشورهای در حال توسعه باید دسترسی و کیفیت آموزشی در دو سطح آموزش عالی و ابتدایی گسترش یابد تا به رشد اقتصادی منجر شود.^۳ افزایش متوسط تحصیلات عالی یک کشور به میزان یک سال می‌تواند نیم درصد رشد تولید ناخالص داخلی

1. Hanushek, E., & Woessmann, L. (2010). "Education and Economic Growth." *Economics of Education Review*, 60-67.
2. Hanushek, E. A. (2013). "Economic Growth in Developing Countries: The Role of Human Capital." *Economics of Education Review*, 37, 204-212.
3. UNESCO (2010). *Education Counts: Towards the Millennium Development Goals*. Paris.

منافع اقتصادی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا برای این کشور

را اضافه کند. علاوه بر کمیت آموزش، کیفیت هم اهمیت بالایی دارد؛ در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تلاش زیادی برای گسترش آموزش اتفاق افتاده که کیفیت کافی را نداشته است و دانش آموزان بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی حتی توان خواندن یک کلمه را هم نداشته‌اند.

آژانس به بهبود دسترسی عادلانه و کیفیت آموزش در کشورهای همکار می‌پردازد. در سال ۲۰۱۱ در ۱۹ کشور ۷ میلیون کودک آموزش داده شده‌اند که این رقم در سال ۲۰۱۵ در ۴۱ کشور به ۲۲٫۷ میلیون نفر رسیده است. از طرفی آژانس در کنار گسترش تحصیلات ابتدایی در بخش تحصیلات تکمیلی هم در کشورهای همکار فعال است. تاکنون ۷۲ برنامه تحقیقاتی مشترک بین آمریکا و مؤسسات آموزش عالی کشورهای همکار برای پیشبرد رشد و پایداری اقتصادی در زمینه‌های کشاورزی، انرژی و بهداشت توسط آژانس شکل گرفته است.

۲-۲-۷. بهبود خدمات بهداشتی

سلامت جامعه یک نیاز اساسی در تحقق رشد اقتصادی است. بیماری‌های طولانی‌مدت قابل توجهی بر بهره‌وری و بازده اقتصاد یک کشور دارد. به‌عنوان نمونه افزایش امید به زندگی به میزان یک سال موجب افزایش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود.^۱ سلامتی در سطوح مختلف جامعه اثرات مهمی دارد برای مثال کودکان سالم و برخوردار از تغذیه مناسب روزهای بیش‌تری به مدرسه می‌روند و کمیت و کیفیت آموزش آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. کارگران بیمار روزهای کمتری می‌توانند کار کنند و اگر دچار بیماری‌های مزمن شوند به‌کلی از جمعیت نیروی کار خارج می‌شوند. در عین حال سلامتی والدین موجب اختصاص پول و زمان بیش‌تری به تربیت کودکان می‌شود.

1. 28Bloom, D. E., Canning, D., & Sevilla, J. (2004), "The Effect of Health on Economic Growth: A Production Function Approach." World Development 32: 1-13.



در کشورهای فقیر به علت منابع مالی کم و شبکه تأمین اجتماعی ضعیف، شوک‌های بهداشتی موجب اثرات قابل توجه و جبران‌ناپذیری برای خانواده‌ها می‌شود. بحران‌ها و بیماری‌های همه‌گیر تهدیدات جدی برای امنیت اقتصادی به شمار می‌روند. تخمین زده می‌شود بیماری آیدز به تنهایی موجب کاهش ۲ تا ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی کشورهای جنوب صحرای آفریقا خواهد شد.



سلامت جامعه یک نیاز اساسی در تحقق رشد اقتصادی است. بیماری پیامدهای طولانی مدت قابل توجهی بر بهره‌وری و بازده اقتصاد یک کشور دارد. به عنوان نمونه افزایش امید به زندگی به میزان یک سال موجب افزایش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود.

دفتر جهانی بهداشت آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده در کشورهای در حال توسعه به گسترش تحقیقات در زمینه‌های بهداشتی و مشارکت و تقویت سیستم‌های تأمین مالی بخش بهداشت می‌پردازد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۵ آژانس ۱۸ میلیون کودک را از سوء تغذیه نجات داد و تقریباً از ۶٫۲ میلیون یتیم و خانواده آسیب‌پذیر حمایت کرد. اقدامات آژانس از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ موجب کاهش ۲۲ درصدی مرگ‌ومیر ناشی از بیماری سل، کاهش ۲۱ درصدی شیوع این بیماری و نجات جان ۴۹ میلیون نفر شده است. تقریباً هفت میلیون مرگ‌ومیر ناشی از مالاریا در سطح جهان و ۷۱ درصد مرگ‌ومیر ناشی از مالاریا در کودکان زیر پنج سال در کشورهای جنوب صحرای آفریقا کاهش پیدا کرده است. آژانس همچنین پیش‌تاز در کنترل و پیشگیری از بیماری‌های عفونی است و نقش مهمی در مقابله با بیماری نوظهور مانند ابولا، زیکا و ... در جهان دارد.

۲-۲-۸. مقابله و کمک در بحران‌ها

فجایع و حوادث، درآمد کشورها را برای طولانی مدت کاهش می‌دهند و چشم‌انداز رشد بلندمدت آن‌ها را به خطر می‌اندازند. در مواجهه با بلاهای طبیعی و جنگ، تثبیت اوضاع اقتصادی موجب کاهش نوسانات رشد و بهبود روند رشد متوسط در بلندمدت می‌شود. کشورهای با درآمد کم منابع کمی برای کنترل اوضاع و کاهش تأثیر شوک در اختیار دارند.

جنگ اثرات بسیار زیاد و عمیقی بر اقتصاد می‌گذارد. به‌عنوان مثال جنگ سوریه منجر به ضرری معادل ۲۰ تا ۳۸ میلیارد دلار به ظرفیت تولید ناخالص داخلی این کشور شده است. بهبود این میزان خسارات زمان زیادی طول می‌کشد و تأثیرات منفی ناشی از تخریب پیوندهای زیرساختی لازم برای تولید، تجارت و حمل‌ونقل تا سال‌ها باقی می‌ماند. بی‌ثباتی ناشی از درگیری همچنین یک تهدید قابل توجه برای کشورهای همسایه ایجاد می‌کند و بر ثبات و رشد منطقه اثرگذار است. از طرفی خروج نیروی انسانی و پناهندگی در کشورهای دیگر اثرات جدی بر سرعت بازسازی و کیفیت آن دارد. تخمین‌ها نشان می‌دهند حتی شش سال پس از اتمام جنگ هم تولید ناخالص داخلی سرانه حداقل ۱۵ درصد پایین‌تر از حد متوسط در حالت نبود جنگ است.^۱



سلامت جامعه یک نیاز اساسی در تحقق رشد اقتصادی است. بیماری پیامدهای طولانی‌مدت قابل توجهی بر بهره‌وری و بازده اقتصاد یک کشور دارد. به‌عنوان نمونه افزایش امید به زندگی به میزان یک سال موجب افزایش ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود.

1. Mueller, H., & Tobias, J. (2016). "The Cost of Violence: Estimating the Economic Impact of Conflict." IGC Growth Brief Series 007. London: International Growth Centre.



کمک‌های بشردوستانه و غذایی به کاهش اثرات آبی بلایای طبیعی کمک می‌کند. آژانس در سال ۲۰۱۶ میزان ۱٫۴ میلیارد دلار در ۵۲ فاجعه هزینه کرده است. کشورهایی مانند سوریه، سودان جنوبی، عراق، یمن، اتیوپی، آفریقای جنوبی و اکوادور این کمک‌ها را دریافت کرده‌اند. به خطر افتادن امنیت غذایی یک تهدید جدی در جنگ‌ها و بلایای طبیعی است. آژانس در این جهت کمک‌های فوری غذایی انجام می‌دهد؛ همچنین در کشورهای آسیب‌دیده بر روی راهکارهای تأمین امنیت غذایی برای بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌کند تا امنیت غذایی آن‌ها تأمین شود. تحولات ناپایدار سیاسی یکی از تهدیدات جدی برای ثبات اقتصادی به شمار می‌رود. آژانس از فرصت به وجود آمده برای ایجاد دموکراسی و صلح در کشورها استفاده می‌کند و با همکاری مقامات دولتی به ایجاد پایه‌های توسعه بلندمدت می‌پردازد. همچنین آژانس، متخصصان در حوزه انتخابات و حکمرانی را برای مشاوره به مقامات حکومت‌های نوپای ناشی از بحران و انتقال سیاسی ارسال می‌کند.

۳-۲. پشتیبانی برنامه‌های آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده از زنجیره ارزش و اشتغال در آمریکا

۳-۱-۳. کالاهای کشاورزی

در طی سال‌ها صنایع آمریکا با وابستگی به مواد اولیه وارداتی شکل گرفته‌اند و حیات بسیاری از آن‌ها به استمرار واردات مواد اولیه بستگی دارد. در این راستا آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده با کشورهای هدف برای افزایش تولید و بهبود کیفیت محصولات صادراتی به آمریکا همکاری می‌کند. این برنامه‌های آژانس، موفقیت مشاغل آمریکایی را در پی داشته است. فعالیت‌های آژانس در کشورهایی که مواد اولیه برای صنایع کلیدی آمریکا تولید می‌کنند نه تنها یک عرضه مداوم مواد اولیه را تضمین کرده است بلکه از ایجاد انحصار در این کالاها توسط سایر کشورهای رقیب هم جلوگیری می‌نماید.

صنعت قهوه یک نمونه خوب از این‌گونه فعالیت‌های آژانس است؛ ۱٫۶ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا و تقریباً ۱٫۷ میلیون از اشتغال این کشور در این صنعت است. این در صورتی است که تنها میزان کمی قهوه در آمریکای شمالی رشد می‌کند و اکثر ماده اولیه این صنعت وارداتی است. آژانس از طریق ایجاد همکاری بین شرکت‌های قهوه آمریکایی و کشاورزان خرده‌مالک در کشورهای در حال توسعه موجب دسترسی این کشاورزان به بازار آمریکا و دسترسی شرکت‌های آمریکایی به عرضه مداوم و باکیفیت مواد اولیه شده است. آژانس در کشورهای همکار، برنامه‌هایی برای مقابله با آفات قهوه برای افزایش تولید و کیفیت محصولات انجام داده است.^۱



شکل شماره ۴- چرخه‌ی صنعت قهوه آمریکا

کاکائو هم مانند قهوه در آمریکای شمالی رشد نمی‌کند اما سالانه ۳۵ میلیارد دلار در صنعت شیرینی‌پزی این کشور مصرف دارد که از این میزان ۱۰ میلیارد دلار مالیات

1. National Coffee Association of USA. (2016). "Understanding the Economic Impact of the U.S. Coffee Industry." <http://www.ncausa.org/Industry-Resources/Economic-Impact>.



دولت آمریکا است و ۲ میلیارد دلار صادرات است. صنعت کاکائو و شکلات حداقل ۷۰,۰۰۰ شغل را پشتیبانی می‌کنند که شامل تأمین‌کنندگان، خرده‌فروشی، تولید و حمل‌ونقل می‌شود.^۱



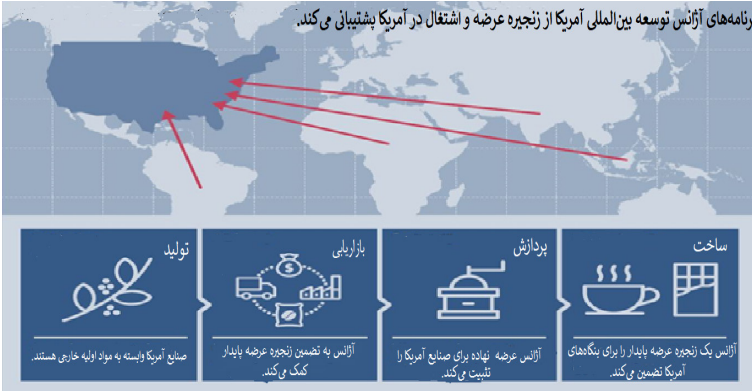
کاکائو هم مانند قهوه در آمریکای شمالی رشد نمی‌کند اما سالانه ۳۵ میلیارد دلار در صنعت شیرینی‌پزی این کشور مصرف دارد که از این میزان ۱۰ میلیارد دلار مالیات دولت آمریکا است و ۲ میلیارد دلار صادرات است. صنعت کاکائو و شکلات حداقل ۷۰,۰۰۰ شغل را پشتیبانی می‌کنند که شامل تأمین‌کنندگان، خرده‌فروشی، تولید و حمل‌ونقل می‌شود.

در اندونزی فعالیت‌های آژانس باعث افزایش عرضه، کیفیت و دسترسی به ادویه‌جات در همکاری با شرکت‌های آمریکایی شد. در این برنامه تولید کشاورزان افزایش پیدا کرد، دسترسی به بازارهای بین‌المللی بهبود یافت و کیفیت محصولات ارتقا یافت. برای مثال بخش عمده کائوچوی جهان فقط در سه کشور در آسیا تولید می‌شود که یکی از این کشورها اندونزی است. آژانس به اندونزی کمک کرد تا فرصت‌های شغلی پایدار در مزارع کائوچو به‌دوراز استثمر کارگران شکل بگیرد و استانداردهای کار در این مزارع ارتقاء پیدا کند. کائوچو ماده اولیه تولید لاستیک است؛ تنها در ایالت کارولینای جنوبی ۱۲,۰۰۰ شغل به تولید لاستیک اتومبیل وابسته هستند.^۲

1. National Confectioners Association. (2015). "The Economic Impact Leadership of Americas Confectionery Industry." <http://www.candyusa.com/our-industry/economic-impact-leadership-of-americas-confectionery-industry>
2. NCBA CLUSA. (2015). "Cooperatives Build a Better World."

منافع اقتصادی آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا برای این کشور

برنامه‌های آزادسازی توسعه بین‌المللی آمریکا از زنجیره عرضه و اشتغال در آمریکا پشتیبانی می‌کند.



شکل شماره ۵- تضمین زنجیره تأمین مواد اولیه برای صنایع آمریکا توسط آزادسازی توسعه بین‌المللی ایالات متحده

۲-۳-۲. تسهیل تجاری

ایجاد ظرفیت برای گسترش تجارت در کشورهای در حال توسعه برای حفظ و افزایش اشتغال در آمریکا بسیار مهم است. با این کار کشورها به راحتی کالاها و خدمات آمریکایی را وارد و در مقابل مواد اولیه به آمریکا صادر می‌کنند. با ایجاد ظرفیت‌های تجاری مناسب که موجب افزایش سرعت حرکت کالاها در مرزها می‌شود، رشد اقتصادی تحریک و درآمد ملی افزایش می‌یابد.



با تسهیل تجارت، هزینه‌های تجارت در کشورهای کم‌درآمد ۱۶٫۴ درصد و در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین جهانی ۱۷٫۴ درصد کاهش می‌یابد. تنها یک درصد کاهش در هزینه‌های تجارت جهانی، درآمد جهانی را بیش از ۴۰ میلیارد دلار افزایش می‌دهد.

به‌عنوان نمونه با تسهیل تجارت، هزینه‌های تجارت در کشورهای کم‌درآمد ۱۶٫۴ درصد و در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین درآمد جهانی ۱۷٫۴ درصد کاهش



می‌یابد. تنها یک درصد کاهش در هزینه‌های تجارت جهانی، درآمد جهانی را بیش از ۴۰ میلیارد دلار افزایش می‌دهد.^۱ آژانس طی یک دهه در بیش از ۶۰ کشور به مدرن‌سازی سیستم‌های تجاری پرداخته است. از جمله فعالیت‌های آژانس برای این زمینه در کشورها هدف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^۲

۱. بهبود ارزش‌گذاری گمرکی، توسعه اتوماسیون و تبادل الکترونیکی

۲. آموزش مدیریت ریسک

۳. اصلاحات قانونی

۴. تقویت ممیزی پس از ترخیص کالا

۵. بهبود خدمات پشتیبانی و حمل‌ونقل

۶. کاهش زمان پردازش

۴-۲. جمع‌بندی

رشد اقتصادی آمریکا وابسته به حمایت از رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است که این روش یک استراتژی مؤثر برای دولت آمریکا در طول زمان بوده است. البته برنامه‌های آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده الزاماً به صورت مستقیم از رشد اقتصادی آمریکا پشتیبانی نمی‌کنند بلکه آن‌ها برنامه‌های دیگری را تکمیل می‌کنند که توسط خود کشورها و سایر کمک‌کنندگان برای تأمین و جذب سرمایه‌های خصوصی انجام می‌شود. رشد اقتصادی قبل از هر چیز به سیاست‌های خود کشورها بستگی دارد که آژانس برای تکمیل و بهبود این سیاست‌ها تلاش می‌کند. هنگامی که کشورها آماده پیشرفت اقتصادی هستند، برنامه‌های آژانس

1. OECD/WTO (World Trade Organization). (2015). "Aid for Trade at a Glance 2015: Reducing Trade Costs for Inclusive, Sustainable Growth." WTO, Geneva/OECD Publishing, Paris.

2. USAID Office of Trade and Regulatory Reform. (2016). "Fact Sheet – USAID Supports Trade Facilitation." USAID, Washington, DC.

می‌توانند سرمایه، فناوری، ایده و دانش لازم برای کمک به توسعه، اجرای برنامه‌های رشد اقتصادی و بهبود حاکمیت و قوانین را در اختیار آن‌ها قرار دهد. به‌علاوه هنگامی که کشورها با شوک یا بحرانی مانند یک فاجعه طبیعی، همه‌گیری یا اغتشاش روبرو هستند، کمک‌های کوتاه‌مدت آژانس می‌تواند در به حداقل رساندن خسارت‌ها کمک کند و آن‌ها را به مسیر خود بازگرداند تا رشد اقتصادی ادامه یابد. کمک‌های آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده هم از طرف مردم آمریکا و هم برای مردم آمریکا است. به‌بیان دیگر هزینه فعالیت‌های آژانس توسط دولت آمریکا تأمین می‌شود و در مقابل این فعالیت‌ها برای رشد و توسعه کشور و افزایش رفاه مردم آمریکا است.

با توجه به تجربیات آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران با داشتن یک طرح جامع و ایجاد یک نهاد متولی قدرتمند برای گسترش تبادلات اقتصادی در سطح منطقه می‌تواند به اهدافی از قبیل ارتقای امنیت و رفاه در سطح ملی و منطقه‌ای، اشتغال، ایجاد بازار صادراتی برای کالای ایرانی، تأمین مواد اولیه برای صنایع داخلی، خروج از رکود از طریق رشد صادرات، بی‌اثر شدن تحریم‌ها و تأمین امنیت غذایی کشور دست یابد.



**۳- آموزه های فعالیت آژانس
توسعه بین المللی ایالات متحده**

آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده قدیمی‌ترین و باتجربه‌ترین نهاد در گسترش نفوذ آمریکا در دنیا است. این نهاد مسئولیت پیاده‌سازی پروژه ملت‌سازی ایالات متحده در دنیا را بر عهده دارد. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران نیز در سایه تلاش‌های اخیر به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است، نیازمند اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی برای توسعه و تثبیت حضور منطقه‌ای خود است. لذا توجه به ساختار و فرآیندهای جاری و تجارب این نهاد آمریکایی، درس‌های خوبی برای پر کردن خلأهای این حوزه در کشور دارد.

۳-۱. ارتقای امنیت ملی آمریکا^۱

اصلی‌ترین هدف کمک‌های خارجی آمریکا، ارتقاء امنیت ملی این کشور عنوان شده است که لازمه آن، ایجاد رشد و توسعه در کشورهای متحد و وابستگی هر چه بیش‌تر آن‌ها به این کشور است. این کمک‌ها تعداد کشورهای وابسته به آمریکا را افزایش داده و از نفوذ قدرت‌های رقیب در این کشورها جلوگیری نموده است. در حال حاضر آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت دارد و به توسعه نفوذ آمریکا در آن‌ها می‌پردازد.

۳-۲. وجود یک طرح راهبردی کلان و نهاد ویژه متولی برای توسعه نفوذ اقتصادی در دنیا^۲

ورود فعالانه ایالات متحده در کشورهای مختلف و ایجاد بازار برای کالاها و خدمات آمریکایی، به طرح راهبردی کلان و یک نهاد مستقل و عالی‌رتبه نیاز داشته است. بررسی تجربه آمریکا نشان می‌دهد که برای تحقق این نیازمندی‌ها، حاکمیت ایالات متحده در ابتدا به تصویب قانون مناسب مبادرت می‌ورزد و سپس یک نهاد متولی در رده یک وزارتخانه برای تحقق و پیگیری طرح در دولت ایجاد می‌کند.

۱. رجوع شود به فصل دوم بخش ۱

۲. رجوع شود به فصل اول



اهمیت این نهاد - در حال حاضر همان آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده - تا جایی است که مدیر آن توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و به شخص رئیس‌جمهور پاسخ‌گو است. به علاوه در طرح بازسازی اروپا (طرح مارشال) دیده شده بود که در نبود دفاتر کشوری آژانس توسعه بین‌المللی، یک سفیر سیار به هدف افزایش اثربخشی و اجرایی سازی طرح مارشال به‌عنوان نماینده اداره کل و نماینده ارشد دولت آمریکا در کشورهای اروپایی تعیین شود و قدرت کافی برای اجرای طرح در اختیار این سفیر قرار داده شد.

بعد از تدوین قانون و تعیین نهاد مرتبط با آن، برنامه‌های آمریکا در کشورهای هدف به تدریج از تک پروژه تبدیل به برنامه‌های بزرگ و جامع شده است. این امر نه تنها سود اقتصادی حاصل از این پروژه‌ها را افزایش داده بلکه باعث افزایش میزان نفوذ اقتصادی آمریکا در آن کشورها شده است. در عین حال در طول سال‌ها فعالیت ایالات متحده در سطح دنیا همواره بر اساس دریافت بازخورد از این برنامه‌ها و تحلیل آن، چارچوب‌ها و ساختارهای کمک و فعالیت‌های خارجی اصلاح شده و بهبود یافته‌اند.

۳-۳. تصویب قانون و نظارت بر اجرای طرح راهبردی توسط کنگره^۱

ایالات متحده در ابتدا برای اجرایی شدن طرح راهبردی خود به تصویب قانون مناسب آن در کنگره اقدام کرد. در قدم بعدی، نظارت مستمر کنگره بر اجرای طرح و انتشار گزارش‌های عملکرد ماهانه توسط اداره کل، ضامن اجرای مناسب و خارج نشدن کار از مسیر مشخص شده برای آن بود.

۳-۴. نقش فعال در توسعه صادرات^۲

لازمه توسعه و رشد اقتصادی یک کشور، گسترش صادرات است و برای توسعه

۱. رجوع شود به فصل اول بخش‌های ۲، ۴، ۷

۲. رجوع شود به فصل دوم بخش‌های ۱، ۲

صادرات لازم است به صورت فعالانه در کشورهای هدف اقدام کرد. امروزه بازارهای جهانی بسیار رقابتی هستند و حفظ و توسعه صادرات در این بازارها به خودی خود اتفاق نمی‌افتد. حاکمیت کشورها به صورت ساختارمند به توسعه بازارهای صادراتی در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. در همین راستا آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده یکی از اهداف اصلی خود در کشورهای شریک را ایجاد بازار برای کالای آمریکایی قرار داده است. ضروری است در کشورهای در حال توسعه زیرساخت‌هایی مانند بندر، راه، برق، ... ایجاد شود تا امکان تبدیل بازار این کشورها به بازار صادراتی ایالات متحده به وجود آید. تأمین این زیرساخت‌ها به خصوص در کشورهای در حال توسعه رونق صادرات کالاهای آمریکایی را به همراه می‌آورد.

۳-۵. توسعه اقتصادی^۱

کمک‌های خارجی آمریکا با توسعه صادرات و پشتیبانی از تولید داخلی، توسعه و رشد اقتصادی این کشور را به دنبال داشته است. رشد اقتصادی که توسط صادرات پشتیبانی می‌شود، بیکاری را کاهش داده و عامل اصلی نجات اقتصاد آمریکا از رکودهای اخیر بوده است.

۳-۶. تأمین مواد اولیه^۲

یکی از اهداف مهم فعالیت آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده تأمین مواد اولیه از کشورهای شریک برای صنایع آمریکا است. این فعالیت‌ها نه تنها تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع آمریکا را تضمین می‌کنند بلکه از ایجاد انحصار در فروش این مواد توسط سایر رقبا جلوگیری می‌نمایند.

۱. رجوع شود به فصل دوم بخش ۲

۲. رجوع شود به فصل دوم بخش ۴



۳-۷. حوزه‌های فعالیت آژانس در کشورها^۱

حوزه‌های فعالیت آژانس در کشورها عبارت‌اند از:

الف) ایجاد ثبات اقتصاد کلان (ب) تقویت بازارهای مالی (ج) افزایش دسترسی به انرژی (د) تقویت کشاورزی

ه) بهبود محیط کسب‌وکار برای مشاغل خصوصی (و) ارتقای آموزشی (ز) بهبود خدمات بهداشتی (ح) مقابله و کمک به بحران‌ها

در این میان، ایجاد ثبات اقتصاد کلان، پایه‌ی تمام فعالیت‌های دیگر در کشورهای در حال توسعه است و تا این ثبات محقق نشود، اقدامات در سایر حوزه‌ها به توفیق چندانی دست نمی‌یابد.

۳-۸. ایجاد توان مبادله با اقتصاد آمریکا^۲

یکی از اهداف آمریکا زمینه‌سازی ادغام کشورها در اقتصاد خود است. با توجه به کشش درآمدی بالای کالاهای آمریکایی، ایالات متحده به ایجاد زیرساخت‌های توسعه در کشورهای هدف می‌پردازد. بر این اساس کشورهای هدف برای فراهم آمدن امکان خرید کالای آمریکایی لازم است که تا حدی ثروتمند شوند. که البته، معمولاً این ثروت از طریق صادرات مواد اولیه به آمریکا به دست می‌آید.

۳-۹. نفوذ فرهنگی^۳

توسعه نفوذ اقتصادی نیازمند نفوذ فرهنگی است تا ذائقه و نگاه مردم کشور هدف به کالاهای وارداتی آمریکایی مثبت شود و نه تنها مردم کالاهای آمریکایی را مصرف کنند بلکه این کالاها را نسبت به کالاهای داخلی و سایر کشورها ترجیح دهند. زمینه‌سازی فرهنگی طرح‌های اجرا شده در کشورها یکی از اقدامات نفوذ فرهنگی

۱. رجوع شود به فصل دوم بخش ۳

۲. رجوع شود به فصل دوم بخش ۱

۳. رجوع شود به فصل اول بخش ۲

آمریکا است. به عنوان نمونه آمریکا برای اجرای طرح مارشال در سطح وسیعی به زمینه سازی فرهنگی آن از طریق ساخت فیلم و تبلیغات مختلف رسانه ای پرداخت، این روش نه تنها واکنش منفی افکار عمومی کشورها نسبت به طرح را در پی نداشت بلکه یک همراهی گسترده در حمایت از آن شکل گرفت.

۳-۱۰. استفاده از توان داخلی کشورها

میزان کمک های خارجی ایالات متحده محدود است و تمام نیازهای کشورهای هدف را پوشش نمی دهد. از طرفی در صورت فعال نشدن ظرفیت های داخلی کشورها به محض قطع کمک ها، فرآیند توسعه اقتصادی متوقف خواهد شد و نتیجه ی مطلوب دولت آمریکا حاصل نخواهد شد. یکی از راهبردهای آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده، استفاده از توان و مشارکت خود کشورها در کنار کمک های خارجی است که به مرور زمان ظرفیت های داخلی کشور هدف فعال شود و بدون کمک های مستقیم در مسیر مورد نظر ایالات متحده حرکت کند.

۳-۱۱. مدیریت هوشمند کمک های مالی^۲

کمک های مالی آمریکا به کشورهای شریک در طرح مارشال به صورت وجه نقد نبود بلکه مجوز خرید اقلام مورد نیاز کشورها از تأمین کنندگان آمریکایی در اختیار آن ها قرار می گرفت. با این سازوکار ایالات متحده بر نحوه تخصیص منابع و کمک ها نظارت می کرد. این کمک ها باعث ایجاد تقاضا در اقتصاد آمریکا می شد و منافع آن به آمریکایی ها بازمی گشت.

۱. رجوع شود به فصل اول بخش ۷-۲

۲. رجوع شود به فصل اول بخش ۲



۳-۱۲. سازوکار بازچرخش کمک‌های مالی^۱

ایجاد سازوکار بازچرخش منابع در پروژه‌های زیرساختی جدید در طرح مارشال به این صورت بود که پس از انجام پروژه‌ها و اتمام برنامه‌ها، بازپرداخت اقساط کمک‌ها در صندوقی به پول ملی کشورها ذیل مدیریت آمریکایی‌ها ذخیره می‌شد. منابع این صندوق با نظارت و اجازه آمریکایی‌ها در طرح‌ها و برنامه‌های بازسازی آن کشور هزینه می‌شد. این سازوکار، نفوذ ایالات متحده را در حاکمیت کشورهای هدف افزایش می‌داد.

۳-۱۳. بهره‌گیری و حمایت از بخش خصوصی^۲

نیازهای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد است. به همین دلیل، ورود بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت آن در توسعه کشورهای هدف مورد نیاز است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده از طریق حمایت‌های مختلف و تسهیل کار بخش خصوصی به گسترش سرمایه‌گذاران آمریکایی در کشورهای هدف می‌پردازد. به علت بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری و کمبود زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه، این کشورها جذابیت لازم برای بخش خصوصی را ندارند. برای حضور بخش خصوصی در این کشورها نیاز به حمایت‌های حاکمیتی مانند صدور ضمانت‌نامه، بیمه، پوشش ریسک سیاسی وام و ایجاد زیرساخت‌های اولیه وجود دارد.

۳-۱۴. کمک‌های مستشاری^۳

منابع مالی کمک ایالات متحده به کشورهای هم‌پیمان محدود است ولی در کمک‌های فنی و مشاوره‌ای محدودیتی وجود ندارد. ایالات متحده در زمان‌هایی

۱. رجوع شود به فصل اول بخش ۶

۲. رجوع شود به فصل اول بخش ۷

۳. رجوع شود به فصل اول بخش ۳

که امکان کمک‌های مالی کافی وجود ندارد به اعزام مستشاران خود در زمینه‌های مختلف مبادرت می‌ورزد. این کمک‌ها شامل مشاوره در اصلاح ساختارها، فرآیندها و سازوکارهای حکمرانی، گسترش دموکراسی و کمک‌های فنی و مهندسی می‌شود. علاوه بر توسعه نفوذ آمریکا از طریق این مستشاران در کشورهای هدف این فعالیت‌ها منجر به جمع‌آوری اطلاعات از ابعاد مختلف آن کشورها شده است که خود این اطلاعات از نیازهای ضروری برای افزایش نفوذ آمریکا در آینده است.

